

انتظار برای عملی شدن وعده رییس جمهور؛

آیا خسارت آتش سوزی اسلامقلعه پرداخت می شود؟



با گذشت حدود چهار ماه از وقوع آتش سوزی بزرگ در گمرک مرزی اسلامقلعه هرات، تاکنون حکومت در پیوند به پرداخت خسارت برای مالباخته گان اقدام نکرده است. شماری از موترداران مالباخته ادعا دارند که براساس بررسی های انجام شده، این آتش سوزی حدود ۴۳ میلیون دالر خسارت برجای گذاشته است. زیان دیده گان تأکید دارند که چند روز پس از وقوع آتش سوزی، رییس جمهور در جریان یک «ویدیو کنفرانس» به آنان وعده سپرد که برای مالباخته گان خسارت پرداخت می شود، اما تاکنون این وعده عملی نشده و آنان منتظر پرداخت غرامت هستند. برخی نماینده گان موترداران و زیان دیده گان که برای دادخواهی در مورد پرداخت خسارت به مرکز کشور سفر کرده و...



تأکید بر گفت وگو برای ثبات پایدار؛

تکلیف جنگ و صلح هنوز روشن نیست

۳

حوادث ناگوار ثور؛ کابل ویران در جنگ

۴

دانشجوی نخبه افغان طراحی و ساخت واکسین mRNA برای ویروس آنفولانزا را در کانادا آغاز کرد

جایی که فاطمه فاضل در حال حاضر مصروف تحقیق است، دیپارتمنت پاتوبیولوژی دانشگاه گوتلف کانادا است؛ یکی از قدیمی ترین دانشگاه های امریکای شمالی که پیشینه موفقیت در این عرصه دارد. این دیپارتمنت روی بیماری های مشترک انسان و دام کار می کند.

۷



دولت افغانستان:

در جریان حفاظت پایگاه های امریکایی توسط طالبان قرار نداریم

زیرا دولت دروازه صلح را به روی طالبان گشوده است.

محب درباره کشیدن نام طالبان از فهرست سیاه گفت، گروهی که شفاخانه را هدف قرار می دهد و به غیرنظامیان در لوگر تلفات وارد کرده است، قصد خروج از فهرست سیاه سازمان ملل متحد را ندارد. به گفته او، برای طالبان هر افغان هدف است، اما حمله لوگر «شرم بزرگ» بود.

در این نشست، مسوولان امنیتی، طالبان را مسوول حمله لوگر اعلام کردند که در آن ۲۴ تن کشته و ۱۱۰ تن دیگر زخمی شدند.

حمله لوگر شام روز جمعه رخ داد. این حمله قدرت مند افزون بر وارد کردن تلفات بر غیرنظامیان، خسارت هنگفت مالی نیز برجای گذاشته است.

طالبان یک گروه قدرت طلب است و برای کسب قدرت دست به هر اقدامی می زنند.

مشاور امنیت ملی می گوید که به «خوب و بد» بودن محافظت پایگاه های امریکایی از سوی طالبان کاری ندارد، اما این گروه در گذشته مردم را به بهانه همکاری با نیروهای خارجی و حضور آن ها، می کشت. محب تأکید کرد که طالبان یک گروه وابسته به یک کشور و به ویژه «استخبارات» پاکستان است.

از جانب دیگر، حمدالله محب به موضوع رهایی زندانیان طالبان و حذف نام رهبران این گروه از فهرست سیاه، نیز اشاره کرد. به گفته او، گروه طالبان برای رهایی زندانیانش باید به دولت افغانستان مراجعه کند و به آدرس های اشتباه نرود؛

«ضمایم محرم» توافق نامه دوحه نیز به نشر رسیده بود.

حمدالله محب اما می گوید که چنین موضوعی در صورت صحت آن، «حیران کننده» نیست؛ زیرا



۸صبح، کابل: حمدالله محب، مشاور امنیت ملی کشور، می گوید که در جریان برنامه حفاظت پایگاه های امریکایی توسط طالبان قرار ندارد و در این مورد با دولت افغانستان صحبت نشده بود. خبرگزاری رویترز به تازه گی گزارش داده است که گروه طالبان طبق مفاد یک ضمیمه پنهانی توافق نامه دوحه، از پایگاه های نظامی نیروهای بین المللی در برابر حملات گروه های تندرو رقیب محافظت کرده است.

سه مقام غربی به رویترز گفته اند که جنگجویان طالبان براساس یک ضمیمه پنهانی این توافق نامه از یک سال به این طرف از پایگاه های نیروهای غربی در برابر حملات گروه های رقیب، محافظت کرده اند.

محمدمنعیم، سخنگوی دفتر سیاسی طالبان این گزارش را تکذیب کرده است. در آوانی که توافق نامه دوحه امضا شد، گزارش هایی در مورد موجودیت

صبح ۸

روزنامه ۸ صبح برای سال ۱۴۰۰ مشترک می پذیرد

۶ ماهه	یک ساله	
۴۰۰۰ افغانی	۸۰۰۰ افغانی	دفاتر داخلی
\$ 150	\$ 300	دفاتر خارجی
۳۰۰۰ افغانی	۶۰۰۰ افغانی	دانشجویان

همه روزه از روزنامه ها و خبرها آگاه شوید.
با گرفتن اشتراک در روزنامه.

۸ صبح را پشت درب منزل تان دریافت کنید.

shaparsepehr@gmail.com
0700175510 - 0788788799



موږ ستاسې جامې په وړ بیه، لوړ کیفیت
او معیاري خدمتونو سره تیاروو.

دريشي بوټونه یخن قاقی افغاني جامې یونیفورم



استانبول پوشاک توليدي شرکت

www.pim.af

0731 56 4444

Scan Me





به اعلامیه «تروییکای توسعه‌یافته» باید وقع گذاشت

اعلامیه چهارده ماده‌ای مکانیسم «تروییکای توسعه‌یافته» که ناوقت جمعه‌شب (دهم ثور) منتشر شد، حاوی توصیه‌های اخلاقی بسیاری برای دولت و طالبان به منظور انجام گفت‌وگوی سازنده و توقف جنگ است. در این اعلامیه، هشدارى نیز به دو طرف داده شده است. پشتی‌بانی نکردن کشورهای عضو مکانیسم «تروییکای توسعه‌یافته» از دولتی که با زور در افغانستان روی کار بیاید، برجسته‌ترین پیام هشدارآمیز این اعلامیه است. بازگشت به مذاکرات معنادار صلح، کاهش خشونت‌ها، خودداری از حمله به غیرنظامیان و توصیه طالبان به پرهیز از اعلام جنگ بهاری از فرازهای برجسته دیگر اعلامیه «تروییکای توسعه‌یافته» است. از این‌رو، انتظار می‌رود که هم دولت و هم گروه طالبان به عنوان طرف‌های اصلی جنگ جاری به توصیه‌های این اعلامیه وقع بگذارند.

مکانیسم «تروییکای توسعه‌یافته» در شرایطی دولت و طالبان را به کاهش خشونت‌ها و انجام مذاکره ترغیب کرده که روند خروج سربازان بین‌المللی از افغانستان رسماً آغاز شده است. گروه طالبان تا ناوقت دیروز در پیوند به خروج سربازان بین‌المللی اعلام موضع نکرده بود؛ اما ذبیح‌الله مجاهد در تویییتی گفته است که جنگ‌جویان این گروه در پیوند به برنامه خروج چشم به راه تصمیم رهبری گروه طالبان در این باره هستند.

طبق هشدار قبلی گروه طالبان بیم آن می‌رفت که این گروه به بهانه نقض توافق‌نامه دوحه دست به حملات سنگین علیه نیروهای خارجی بزند؛ اما در روز اول برنامه خروج این ریسک را متقبل نشد. این‌که تصمیم رهبری گروه طالبان در روزهای آینده چه خواهد بود، زیاد قابل پیش‌بینی نیست. با این وصف، به نفع گروه طالبان است که توصیه‌ها و هشدار مکانیسم «تروییکای توسعه‌یافته» را جدی بگیرد و از وارد شدن به دور تازه خشونت‌ها پرهیز کند.

هشدار مکانیسم «تروییکای توسعه‌یافته» برای دولت و گروه طالبان یک هشدار جدی است. کشورهای عضو این مکانیسم از قدرت‌های برتر جهانی و بازیگران ذی‌نفع در قضایای افغانستان هستند. به نفع دولت و گروه طالبان است که جنگ قدرت را از راه گفت‌وگو دنبال کنند. امریکا، روسیه، چین و پاکستان که عضو این مکانیسم هستند، به صراحت گفته‌اند که جنگ راه حل قضیه افغانستان نیست و دو طرف باید با هم گفت‌وگو کنند. آن‌ها به صراحت هشدار داده‌اند که نمی‌توانند از دولتی در افغانستان حمایت کنند که با زور روی کار آمده باشد. پیام‌های روشن این هشدار آن است که اولاً، امکان استقرار دولت با زور ممکن نیست. دوماً، دولتی که با زور روی کار بیاید، فاقد مشروعیت بین‌المللی خواهد بود و مورد حمایت واقع نخواهد شد. از این‌رو، بسیار بیهوده خواهد بود که دولت و گروه طالبان به رغم مخالفت‌های ملی و بین‌المللی بر طبل جنگ بکوبند و یا تصور کنند که می‌توانند با توسل به خشونت به پیروزی برسند.

تأکیدات ملی و بین‌المللی بر انجام مذاکره بین دولت و گروه طالبان نشانه واضح اجماع بر توقف جنگ از راه گفت‌وگو در افغانستان است. این اجماع که در نوع خود بی‌سابقه است، باید غنیمت شمرده شود و با تهدیدات یک‌دیگر به جنگ، نابود نشود. در صورت از بین رفتن این فرصت، بسیار زمان خواهد برد که افغانستان بار دیگر در موقعیتی قرار بگیرد که تمام نیروهای سیاسی داخلی و کشورهای جهان به صورت هماهنگ در کارزار صلح این کشور مشارکت کنند. از این‌رو، توقع می‌رود که دولت و گروه طالبان هر دو با محاسبه عقلانی و دوراندیشی از توصیه‌های مکانیسم «تروییکای توسعه‌یافته» به نفع صلح و آشتی در کشور استفاده کنند.

خشونت‌هایی که این روزها در صورت‌ها و اشکال مختلف دیده می‌شود، برای مردم افغانستان و جامعه جهانی قابل تحمل نیست. متأسفانه فعلاً سطح خشونت‌ها بسیار بلند است. در بیش‌تر موارد مردم عام قربانی این خشونت‌ها شده‌اند.

اگرچه گروه طالبان تاکنون عملیات بهاری خود را رسماً اعلام نکرده است؛ اما وضعیت جنگی کشور نشان می‌دهد که عملیات بهاری این گروه عملاً جریان دارد. حملات یک ماه اخیر گروه طالبان در ولایات مختلف کشور بسیار سنگین و پر تلفات بوده است. پاسخ دولت به این حملات نیز کوبنده بوده است. احتمال این‌که خشونت‌های جاری باعث ضایع شدن فرصت‌های به میان آمده برای صلح شود، بسیار بلند است. باید این خطر را جدی گرفت.

محکومیت گسترده حمله مرگ‌بار موتر بمب در لوگر؛ خشونت‌های بی‌معنا متوقف شود



۸صبح، کابل: انفجار خونین موتر بمب‌گذاری شده در مهمان‌خانه ولسوالی ارزه ولایت لوگر که در آن ده‌ها تن کشته و زخمی شدند، با محکومیت گسترده روبه‌رو شده است.

این انفجار ساعت ۷:۰۰ شام روز جمعه، دهم ثور در ناحیه اول شهر پل‌علم، در نزدیکی شفاخانه‌ی ولایتی لوگر رخ داد.

طبق اعلام دفتر والی لوگر، شمار تلفات حمله موتر بمب در شهر پل‌علم به ۲۴ کشته و ۱۱۰ زخمی رسیده است.

گل‌حیدر احمدی، سخنگوی پولیس لوگر به روزنامه ۸صبح گفت که در این انفجار ۲۱ تن کشته و ۹۱ تن دیگر زخمی شده‌اند. به گفته او، عملیات نجات افراد گیرمانده در زیر آوار شب‌هنگام از سوی نیروهای امنیتی اجرا شد و سه تن زنده نجات شده‌اند.

انفجار به قدری قدرت‌مند بود که خانه‌های اطراف محل حادثه و شفاخانه را تخریب کرده است.

این انفجار مهمان‌خانه ولسوالی ارزه لوگر را هدف قرار داده است. بیش‌تر قربانیان دانش‌آموزانی هستند که برای سیری کردن آزمون کانکور به مرکز لوگر آمده بودند. این مهمانه‌خانه از سوی یک بزرگ قومی ولسوالی ارزه لوگر ایجاد شده بود.

محمدشارف غنی، رییس جمهور، با نشر پیامی این حمله را به طالبان نسبت داده و آن را «جنایت بشری گروه طالبان» خوانده است. مسوولیت حمله لوگر را تاکنون فرد و یا گروهی بر عهده نگرفته است.

غنی این حمله را محکوم کرده و افزوده است که طالبان حتا در ماه رمضان که ماه «رحمت و بخشش» است، دست از کشتار مردم و آسیب رساندن به تاسیسات عام‌المنفعه بر نمی‌دارند. او افزوده است: «طالبان به خاطر این کشتار جمعی مردم مسلمان افغانستان، به پیشگاه خداوند متعال و نزد مردم افغانستان، مسوول هستند».

به گفته غنی، طالبان با ادامه «جنگ نامشروع و خشونت‌شان علیه مردم»، یک‌بار دیگر نشان دادند

که نه تنها به حل بحران کنونی به گونه صلح‌آمیز و اساسی اراده ندارند، بلکه با پیچیده کردن وضعیت، فرصت فراهم شده به خاطر صلح را ضایع می‌کنند. رییس جمهور غنی به نیروهای امنیتی دستور داده است که این «جنایت بشری طالبان» را بی‌پاسخ نگذارند.

عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی، نیز در پیامی این حمله را نکوهش کرده است. او این حمله را به «دشمنان اسلام و وطن» نسبت داده و گفته است در حالی که تلاش‌ها برای صلح در سطح ملی و بین‌المللی جریان دارد و امید به صلح را افزایش داده است، این نوع «حملات بزدلانه»، روند صلح را با چالش روبه‌رو می‌کند.

رییس شورای عالی مصالحه ملی از طالبان خواسته است که به خاطر ماه رمضان آتش‌بس کنند و برای صلح حسن‌نیت نشان دهند و دست از خشونت‌ها بردارند تا زمینه این نوع «جنایت» فراهم نشود.

سفارت ترکیه در کابل نیز با نشر اعلامیه‌ای، حمله موتر بمب در لوگر را به شدت محکوم کرده است. این سفارت تأکید کرده است که تشدید خشونت برای مذاکرات صلح پایدار کمک نمی‌کند.

اتحادیه اروپا انفجار لوگر را یک فاجعه برای همه افغانستان خوانده است. این اتحادیه تأکید کرده است که خشونت‌های بی‌معنا باید متوقف شود. حمله موتر بمب در لوگر در سطح ملی و در میان شهروندان کشور نیز واکنش‌های گسترده را در پی داشته است. بسیاری از شهروندان کشور با باشنده‌گان لوگر ابراز همدردی و حمله خونین شام روز جمعه در لوگر را محکوم کرده‌اند.

طبق گزارش‌ها از محل رویداد، در نتیجه انفجار موتر بمب‌گذاری شده، شفاخانه ولایتی و خانه‌های مسکونی تخریب شده است. افزون بر تلفات سنگین بر غیرنظامیان، خسارت مالی نیز به مردم وارد شده است.

در پی این انفجار سقف منازل بر مردم فرود آمده است. دست‌کم دو نفر توسط نیروهای امنیتی از زیر آوار بیرون کشیده شده‌اند.

افغانستان خواهان حل صلح‌آمیز درگیری مرزی میان تاجیکستان و قیرغیزستان شد



۸صبح، کابل: وزارت امور خارجه کشور از وقوع درگیری مسلحانه در مرز مشترک قیرغیزستان و تاجیکستان ابراز نگرانی کرد. در اعلامیه وزارت امور خارجه که روز شنبه، یازدهم ثور نشر شد، از هر دو کشور به عنوان «دوست و برادر» افغانستان یاد شده است.

این وزارت گفته است که ادامه تنش‌ها و درگیری‌های مسلحانه به نفع دولت‌ها و مردم هر دو کشور و نیز صلح و ثبات منطقه نیست و آرزو دارد که به این معضل از طریق مذاکرات و جست‌وجوی راه حل سیاسی و صلح‌آمیز خاتمه داده شود.

وزارت خارجه نسبت به وارد شدن تلفات به هر دو کشور غم‌شریکی کرده است.

درگیری مرزی بین تاجیکستان و قیرغیزستان چهارشنبه هفته گذشته آغاز شد.

براساس آن‌چه اعلام شده است، دست‌کم ۳۱ تن در این درگیری‌ها کشته و ده‌ها تن دیگر زخمی شده‌اند.

قیرغیزستان روز گذشته اعلام کرده است که در این درگیری‌ها بیش از ۱۱ هزار نفر از اهالی منطقه مورد مناقشه آواره شده‌اند. به دنبال این درگیری آتش‌بس نیز میان دو طرف اعلام شده بود، اما درگیری‌های پراکنده ادامه یافته است.



تاکنون ۳۴۹ هزار و ۸۱۶ تن در کشور واکسن کرونا شده‌اند

۸صبح، کابل: طبق معلومات وزارت صحت عامه تاکنون ۳۴۹ هزار و ۸۱۶ تن از شهروندان کشور از اصناف مختلف واکسن کرونا را دریافت کرده‌اند.

آمارى را که وزارت صحت عامه روز شنبه، یازدهم ثور نشر کرد، نشان می‌دهد که تاکنون ۹۷ هزار و ۵۶۸ تن از کارمندان صحتی، ۴۷ هزار و ۳۲۲ تن از معلمان و ۲۲ هزار و ۴۰۵ تن از کارمندان دولت واکسن کرونا شده‌اند.

به همین ترتیب، طبیف‌ها و اصناف دیگر نیز که واکسن کرونا دریافت کرده‌اند، به صورت مجموعی شمارشان به ۳۴۹ هزار و ۸۱۹ تن می‌رسد.

روند واکسیناسیون کرونا در کشور در پنجم ماه حوت سال گذشته آغاز شد.

افغانستان تاکنون دو محموله واکسن کرونا را دریافت کرده است. محموله اول را هند به افغانستان کمک کرد و محموله دوم از سوی نهاد هم‌آهنگ‌کننده واکسن کرونا یا کوواکس، به افغانستان کمک شد. قرار است محموله سومى نیز از چین به کشور وارد شود.

واکسن برای پیش‌گیری از ابتلا به ویروس کرونا موثر خوانده می‌شود.

وزارت صحت عامه مردم را تشویق می‌کند که این واکسن را دریافت کنند. این در حالی است که احتمال شیوع موج سوم ویروس کرونا در کشور بیش‌تر شده است.

وزارت صحت عامه شیوع نوع جدید ویروس کرونا در کشور را تأیید کرده است. بیش‌تر واقعات ابتلا به ویروس کروناى جهش‌یافته در ولایت ننگرهار ثبت شده است.

براساس آمار رسمی تاکنون حدود ۶۰ هزار تن در کشور به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند و بیش از دو هزار و ۵۰۰ تن دیگر جان باخته‌اند.

انفجار در مسجدی در پایگاه بگرام یک کشته و ۲۴ زخمی برجای گذاشت

۸صبح، پروان: مقام‌های امنیتی پروان تأیید می‌کنند که در نتیجه انفجار در جمع نیروهای امنیتی در هنگام ادای نماز تراویح در داخل یک مسجد در پایگاه بگرام یک تن کشته شده است و ۲۴ تن دیگر زخم برداشته‌اند.

عبدالواسع رحیمی، امر امنیت فرماندهی پولیس پروان در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح می‌گوید که این رویداد حوالی ساعت ۹:۰۰ جمعه‌شب، دهم ثور رخ داده است.

آمر امنیت پولیس پروان تأکید می‌کند که تمامی زخمی‌ها و یک کشته این رویداد نیروهای افغان هستند.

این رویداد در کندک اول لوای فرقه دوم نیروهای ارتش مستقر در میدان هوایی بگرام صورت گرفته است.

یک منبع دیگر که از افشای نامش خودداری می‌کند، می‌گوید که انفجار ناشی از ماینی بوده است که در مسجد جابه‌جا شده بود و هنگام نماز تراویح انفجار کرده است.

مسوولیت این رویداد را هنوز فرد یا گروهی بر دوش نگرفته است.

پایگاه بگرام محل استقرار نیروهای خارجی در افغانستان است.

تأکید بر گفت‌وگو برای ثبات پایدار؛

تکلیف جنگ و صلح هنوز روشن نیست



حسین بهمن

با ورود به ماه می سال روان میلادی، ابهام‌ها و نگرانی‌ها در میدان‌های جنگ و صلح بیش‌تر شده است. براساس توافق‌نامه دوحه، امریکا گفته بود که نیروهایش را تا این ماه از افغانستان خارج می‌کند، اما اداره بایدن در ادامه این روند را برای حدود چهار ماه به تأخیر انداخت؛ اقدامی که واکنش گروه طالبان را در پی داشت. اکنون این گروه می‌گوید که انتظار تصمیم سطح رهبری را می‌کشد تا در مورد تشدید درگیری‌ها تصمیم بگیرد. طالبان اعلام کرده‌اند که نقض توافق‌نامه دوحه راه برای «هر گونه اقدام مناسب» را برای جنگ‌جویان این گروه باز کرده است. در همین حال برخی از نظامیان بازنشسته امریکایی از وضعیت افغانستان ابراز نگرانی کرده و گفته‌اند که نیاز است بخشی از نیروها برای زیر فشار قرار دادن طالبان، دست‌یابی به توافق سیاسی و جلوگیری از تجدید حیات گروه‌های تروریستی، در افغانستان بمانند. حکومت نیز تصریح می‌کند که طالبان باید برای رهایی زندانیان‌شان به دولت مراجعه کنند و به آدرس اشتباه نروند. این در حالی است که گروه ترویکای توسعه‌یافته پس از برگزاری نشست‌ها با اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت و اعضای دفتر سیاسی طالبان در قطر، گفته است که جنگ افغانستان راه‌حل نظامی ندارد و گفت‌وگو تنها راه‌حل برای رسیدن به صلح و ثبات پایدار در افغانستان است. گفتنی است که از زمان امضای توافق‌نامه دوحه تا حال که ۱۴ ماه می‌گذرد، بیش از ۲۵ هزار نفر در جنگ افغانستان کشته شده‌اند.

هم‌زمان با ورود ماه می، نگرانی‌ها از بدتر شدن وضعیت در افغانستان افزایش یافته است. هرچند امریکا اعلام کرد که روند خروج نهایی نیروهایش از افغانستان را آغاز کرده، اما این اقدام گروه طالبان را قانع نکرده است. این گروه روز یک‌شنبه، یازدهم ثور، در مورد احتمال ازسرگیری حملاتش بر نیروهای خارجی و افزایش درگیری‌ها با نیروهای امنیتی «توضیحات» داد. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی این گروه، در صفحه توئیترش نوشت که خروج نیروهای امریکای متناسب به آن‌چه در توافق‌نامه دوحه تعیین شده بود، انجام نشده است. او افزود که در عملی شدن این مرحله تأخیر شده

است و «این سرپیچی اصولاً راه هرگونه اقدام مناسب» را برای جنگ‌جویان این گروه در برابر نیروهای خارجی باز می‌کند.

ذبیح‌الله مجاهد اما تصریح کرده است که جنگ‌جویان این گروه انتظار تصمیم رهبری طالبان را می‌کشند. به گفته او، این تصمیم «با درنظرداشت استقلال کشور، ارزش‌ها و منافع علیای مردم» گرفته خواهد شد و جنگ‌جویان این گروه مطابق آن عمل خواهند کرد. گروه طالبان پیش از این نیز گفته بودند که امریکا به تعهداتش در توافق دوحه عمل نکرده است و اگر این گروه هر اقدامی بکند، مسوولیت آن به دوش اداره بایدن خواهد بود. طالبان هم‌زمان با گره زدن میدان‌های جنگ به تصمیم رهبران این گروه، از آماده‌گی‌های‌شان برای نبرد در چارچوب قطعاتی زیر نام «کاروان فاتح» پرده برداشته‌اند.

این در حالی است که براساس گزارش خبرگزاری رویترز، گروه طالبان مطابق به مفاد یک ضمیمه پنهانی توافق‌نامه دوحه، از پایگاه‌های نظامی نیروهای بین‌المللی در برابر حملات گروه‌های تندرو رقیب محافظت کرده است. گروه طالبان اما این موضوع را رد کرد و آن را تبلیغات بی‌اساس خواند. مقام‌ها در حکومت نیز تصریح کردند که در جریان این موضوع قرار ندارند، اما در صورت صحت آن، «حیران‌کننده» نیست؛ زیرا طالبان یک گروه قدرت‌طلب است و برای کسب قدرت به هر اقدامی دست می‌زند.

حمدالله محب، مشاور امنیت ملی، روز یک‌شنبه، یازدهم ثور، در یک نشست خبری گفت که با «خوب و بد» بودن محافظت پایگاه‌های امریکایی از سوی طالبان کاری ندارد، اما این گروه در گذشته مردم را به بهانه همکاری با نیروهای خارجی و حضور آن‌ها، می‌کشت. محب تأکید کرد که طالبان یک گروه وابسته به یک کشور و به ویژه «استخبارات» پاکستان است. به باور حمدالله محب، گروه طالبان برای رهایی زندانیانش باید به دولت افغانستان مراجعه کند و به آدرس‌های اشتباه نرود؛ زیرا دولت دروازه صلح را به روی طالبان گشوده است. به باور مشاور امنیت ملی، طالبان با حمله بر شفاخانه‌ها و وارد کردن تلفات به غیرنظامیان، قصد خروج از فهرست سیاه سازمان ملل متحد را ندارد. مسوولان در وزارت دفاع ملی هم‌چنان می‌گویند که نیروهای امریکایی روند رسمی خروج از افغانستان را آغاز کرده‌اند.

با این حال نگرانی‌ها از خروج این نیروهای در داخل و خارج از کشور پابرجا است. برخی از مقام‌های بازنشسته نظامی در امریکا از آن‌چه در افغانستان می‌گذرد، ابراز نگرانی کرده‌اند. جمیز استاوردیس، فرمانده بازنشسته نیروهای دریایی امریکا، به شبکه سی‌ان‌بی‌سی گفته است که شمار کنونی نیروهای امریکایی برای کنترل وضعیت در افغانستان «بسیار اندک» است. به گفته او، حضور اندک نیروها سبب فرصتی برای تحت فشار قرار دادن طالبان و دست‌یابی به یک توافق سیاسی است؛ زیرا در غیر آن نگرانی‌هایی وجود دارد که نیروهای امنیتی افغان از هم بپاشند. او اما تصریح کرده است که امریکا باید برای برگشت آماده‌گی داشته باشد، چرا که علاوه بر گروه طالبان و القاعده، داعش نیز اکنون در افغانستان فعالیت دارد. این فرمانده بازنشسته نیروی دریایی امریکا پیشنهاد کرده است که بین دو تا سه هزار سرباز امریکایی در افغانستان حفظ شوند تا بدین ترتیب از تجدید تروریسم جلوگیری کنند.

گروه ترویکای توسعه‌یافته: هیچ راه‌حل نظامی برای معضل افغانستان وجود ندارد

نگرانی‌ها در مورد آینده افغانستان در دوحه نیز مطرح شده است. اعضای گروه ترویکای توسعه‌یافته پایان روز یک‌شنبه، دهم ثور، با هیأت مذاکره‌کننده دولت و مقام‌های دفتر سیاسی طالبان در قطر به گونه جداگانه دیدار و گفت‌وگو کردند. در این دیدارها نماینده‌گان کشورهای امریکا، روسیه، چین و پاکستان حضور داشتند و در پایان آن نیز اعلامیه مشترک ۱۴ ماده‌ای صادر کردند. کشورهای عضو ترویکای توسعه‌یافته تأکید کرده‌اند که در هیچ صورتی از حکومتی که با زور و خشونت در افغانستان حاکم شود، حمایت نمی‌کنند. این کشورها هم‌زمان با حمایت از روند صلح به عنوان خواست مردم افغانستان تأکید کرده‌اند که هیچ راه‌حل نظامی برای معضل افغانستان وجود ندارد و یک حل‌وفصل سیاسی با مذاکره از طریق یک روند به رهبری افغانستان و متعلق به افغانستان تنها راه رسیدن به صلح و ثبات پایدار در افغانستان است.

ترویکای توسعه‌یافته با توجه به خروج نیروهای ناتو و امریکایی، گفته است که هرنوع خروج باید متضمن وضعیت ثبات افغانستان باشد. هم‌چنان تأکید شده است

که در جریان خروج از افغانستان، روند صلح نباید مختل شود و هیچ‌گونه جنگ و خون‌ریزی نباید رخ دهد و امنیت نیروهای بین‌المللی تأمین شود. گفته شده است که پرسنل و اموال دیپلماتیک مصون است و عاملان هرگونه حمله یا تهدید به پرسنل دیپلماتیک خارجی و املاک در کابل پاسخ‌گو باشند. این کشورها هم‌چنان از طالبان خواسته‌اند که تعهدات‌شان درباره قطع روابط با گروه‌های تروریستی و جلوگیری از استفاده گروه‌ها و افراد تروریستی از خاک افغانستان برای تهدید امنیت هر کشور دیگر را عمل کنند.

اعضای گروه‌های ترویکای توسعه‌یافته در کنار این از دولت افغانستان خواسته‌اند که به همکاری در امر مبارزه با تروریسم با جامعه جهانی ادامه دهد. این کشورها از طرف‌های درگیر خواسته‌اند که سطح خشونت‌ها را پایین نگه‌دارند و از طالبان خواسته‌اند که حملات بهاری خود را آغاز نکنند. در اعلامیه هر نوع حمله‌ای که در آن غیرنظامیان آسیب ببینند، محکوم شده و در کنار آن از دولت و شورای عالی مصالحه ملی خواسته شده است که با طالبان در مورد توافق با مذاکره به صورت صریح وارد تعامل شوند. ترویکای توسعه‌یافته هم‌چنان از بررسی وضعیت افراد و نهادهای مرتبط به طالبان در تحریم‌های کمیته ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد حمایت کرده است. به باور این کشورها، اقدامات عملی طالبان برای کاهش خشونت و تلاش‌های مداوم برای پیش‌برد مذاکرات بین‌الافغانی، به بررسی این موضوع تأثیر مثبت خواهد داشت.

این کشورها در ادامه از تلاش ترکیه برای میزبانی نشست رهبران ارشد افغانستان و طالبان به منظور تسریع مذاکرات بین‌الافغانی و نقش سازمان ملل متحد و قطر قدردانی کرده و از طرف‌های مذاکره‌کننده خواسته‌اند که روی یک توافق سیاسی فراگیر و آتش‌بس دایمی، به توافق برسند. ترویکای توسعه‌یافته تأکید کرده است که از توافق صلح پایدار و عادلانه حمایت می‌کند که منجر به تشکیل یک افغانستان مستقل، حاکم، متحد، صلح‌آمیز، دموکراتیک، بی‌طرف و خودکفا، عاری از تروریسم و تولید مواد مخدر شود.

گفتنی است که با وجود تأکید بر کاهش خشونت‌ها و حل معضل کنونی افغانستان از راه گفت‌وگو، خشونت‌ها هم‌چنان بلند نگه داشته شده است. براساس آمارهایی که برخی از نهادهای ناظر بر جنگ افغانستان نشر کرده‌اند، بیش از ۲۵ هزار تن، به شمول غیرنظامیان، نیروهای امنیتی و جنگ‌جویان طالب کشته شده‌اند. در آخرین مورد، در نتیجه حمله موتربمب در ولایت لوگر دست‌کم ۲۴ تن کشته و ۱۱۵ تن زخمی شدند که با موجی از واکنش‌ها روبه‌رو شد.



محمدحسین نیک‌خواه

معترضان حاضر شدند خیمه‌های اعتراضی را ترک کنند، مشروط بر این‌که حکومت طی ضرب‌الاجل مشخص شده از سوی آنان، غرامت پرداخت کند. جیلانی فرهاد، سخنگوی والی هرات، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که والی این ولایت و برخی اعضای مجلس نماینده‌گان در دیدار با موترداران مال‌باخته، از آنان خواستند که اعتراض را پایان داده و اجازه دهند مسیر بزرگ‌راه‌های تورغندی و اسلام‌قلعه باز شود. از جانب دیگر معترضان ادعا دارند که حکومت به گونه کتبی تعهد سپرد تا در جریان ۴۰ روز پس از پایان اعتراض و برچیدن خیمه‌های اعتراضی، خسارت موترداران مال‌باخته آتش‌سوزی بزرگ گمرک اسلام‌قلعه را پرداخت می‌کند. غلام‌بهاءالدین جیلانی، وزیر دولت در امور رسیده‌گی به حوادث، رییس هیأت اعزامی ریاست جمهوری به هرات بود و ۱۵ نهاد حکومتی به شمول وزارت‌های ترانسپورت، داخله، صنعت و تجارت، مالیه، لوی‌سارنوالی و شورای امنیت، عضویت آن را داشتند.

هرچند مردم و فعالان مدنی هرات به رفت‌وآمد هیأت‌های اعزامی از مرکز کشور باور چندانی ندارند و حضور این هیأت تاکنون نتیجه مشخصی در پی نداشته است، اما بازمه زیان‌دیده‌گان آتش‌سوزی اسلام‌قلعه به وعده رییس جمهور دل خوش کرده و منتظر پرداخت غرامت از سوی حکومت هستند.

در تاریخ بیست‌وپنجم دلو سال ۱۳۹۹ خورشیدی، پس از آتش‌سوزی یک تانکر مواد سوخت در گمرک مرزی اسلام‌قلعه هرات، صدها موتر باربری و تانکر انتقال مواد سوخت طعمه آتش شد. متضرران این رویداد، مقام‌های اداره نورم و استندرد، شرکت «تی‌سی‌آرسی» و فساد گسترده موجود در گمرک را عوامل اصلی فاجعه می‌دانند.

انتظار برای عملی شدن وعده رییس جمهور؛

آیا خسارت آتش‌سوزی اسلام‌قلعه پرداخت می‌شود؟

د**چند ماه پس از آتش‌سوزی بزرگ در گمرک اسلام‌قلعه، ماه حوت سال ۱۳۹۹ خورشیدی، هیأتی به دستور رییس جمهور برای بررسی میزان خسارت و پرداخت غرامت به مال‌باخته‌گان به هرات سفر کرد. اما اعضاء این هیأت بدون آن‌که بررسی‌های‌شان را همه‌گانه کنند، دوباره راهی کابل شدند. برخی اعضاء شورای ولایتی هرات، در واکنش به این اقدام هیأت ریاست جمهوری، هدف سفر هیأت به این ولایت را «تفریح و چکر زدن» عنوان کرده و تأکید کردند که یافته‌های آن‌ها باید پس از پایان روند بررسی از طریق رسانه‌ها با مردم در میان گذاشته مه‌شد.**

شورای ولایتی هرات، در واکنش به این اقدام هیأت ریاست جمهوری، هدف سفر هیأت به این ولایت را «تفریح و چکر زدن» عنوان کرده و تأکید کردند که یافته‌های آن‌ها باید پس از پایان روند بررسی از طریق رسانه‌ها با مردم در میان گذاشته می‌شد. روایت اداره محلی هرات از عدم ارایه گزارش یافته‌های هیأت ریاست جمهوری این‌گونه بود که گزارش هیأت ریاست جمهوری با مقام‌های محلی در میان گذاشته نشده و اعضای هیأت آن را در اختیار مقام‌های حکومت مرکزی قرار می‌دهند و رهبری حکومت در پیوند به پرداخت غرامت تصمیم می‌گیرد. بصیر آرین، نماینده موترداران مال‌باخته در آتش‌سوزی هرات، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که براساس بررسی‌های انجام شده از سوی هیأت ریاست جمهوری و نماینده‌گان متضرران، حدود ۱۲۵۴ موتر باربری در آتش سوخته است.

به گفته او، نماینده‌گان موترداران در سفر به کابل، با نماینده‌گان هرات در پارلمان و معاون اول ریاست جمهوری دیدار کردند و حکومت تأیید کرده است که در جریان آتش‌سوزی بزرگ در اسلام‌قلعه، حدود ۴۳ میلیون دالر خسارت مالی برجای مانده است. برمبنای بررسی‌های هیأت ریاست جمهوری و نماینده‌گان مال‌باخته‌گان، ارزش مجموعی حدود ۱۲۵۴ موتر

حوادث ناگوار ثور؛

کابل ویرانه در جنگ

♦ **داکتر عارف نعیم‌زاد**، استاد دانشگاه کابل



سال ۱۳۵۷خورشیدی که من شاگرد صنف دوم ابتداییه بودم، کودتای ۷ ثور با سرنگونی رژیم داوود خان از طریق رادیواطلاعرسانی شد.هم‌زمان با آغاز رژیم جدید، رنگ پیراهن مکتب به عنوان یونیفورم، رنگ سرخ اعلان شد و پوشیدن آن اجباری بود. هفته یک تا دو بار درس‌ها تعطیل می‌شد و مارش (راه‌پیمایی) با شعار «مرده باد امریکا» و «مرده باد امپریالیسم» به ابتکار کمیته‌های حزبی مکتب (مربوط به حزب دموکراتیک خلق افغانستان) راه‌اندازی می‌شد و پای همه شاگردان و معلمان مکاتب به صورت اجباری به راه‌پیمایی‌های خسته کننده و بی مورد کشانیده می‌شد. «زمین مال کسی است که بالای آن کار می‌کند»، از شعارهای رسانه‌ای این دوره بود. این شعار در حاشیه برنامه اصلاحات اراضی رژیم برای خوانین و ارباب‌های محلی زمین‌دار، مشکل‌ساز تلقی می‌شد.

آزادی بیان مصلوب بود و یگانه رسانه کشور (رادیو افغانستان) در خدمت رژیم دست‌نشانده اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. تعدادی از اعضای تندرو و وفادار به حزب دموکراتیک خلق افغانستان که از سواد خواندن و نوشتن خوبی برخوردار نبودند، خیلی هم سطحی‌نگر و احساساتی می‌اندیشیدند و به تعبیر خودشان در راه تحکیم پایه‌های رژیم وابسته به این حزب تا پای جان می‌رزמידند.

گروه‌های مجاهدین در نقاط استراتژیک کوهستانی، با حمایت مالی غرب (خصوصاً امریکا) تازه اعلام حضور می‌کردند و تسلیحات نظامی آنان توسط مرکب و قاطر و اسب از دو جهت (پاکستان از شرق و ایران از غرب) شب‌هنگام اکمال می‌شد.

گروه‌های مجاهدین هنوز در مرز «هفت‌گانه» و «هشت‌گانه» شدن نرسیده بودند و تازه تشکیلات‌شان هر روز رنگ، وابسته‌گی، رو، تعداد و ارقام تازه می‌گرفت. بلندگوهای رسانه‌های پاکستان، ایران و بی‌بی‌سی در اختیار مجاهدین و مخالفان رژیم بود. سازمان‌های استخباراتی و گروه‌های نظامی کشورهای همسایه مانند پاکستان (آی‌اس‌آی) و ایران (حزبالله و سپاه پاسدران) میان مجاهدین عملاً کار می‌کردند.

مدتی بعد، با کشته شدن تره‌کی، رییس این حزب (که طراح آن حفیظ‌الله امین قلمداد می‌شد) و با روی کار آمدن حفیظ‌الله امین، شاگرد وفادار تره‌کی، تندروهای رژیم بیش‌تر از پیش به تشدید فعالیت‌شان می‌پرداختند و نرخ بگیر و ببندها و زندانی شدن و زنده به گور شدن در این رژیم بالا گرفت.

نزدیکان و گماشته‌گان خاص حفیظ‌الله امین در سطح ولایات، افراد با رسوخ، روحانی و روشن‌فکر – اعم از معلم، استاد، کارمند و متخصص – را شب‌هنگام به گودال‌های بزرگ می‌بردند و توسط تراکتور و گریدر خاک‌پوش و زنده به گور می‌کردند. شنیدن رادیوهای کشورهای همسایه و بی‌بی‌سی جرم تلقی می‌شد و گفتن حتا یک جمله در حاشیه رژیم حاکم، حکم زندان و اعدام داشت.

🍎

روزهای نخست دولت مجددی با راکت‌پراکنی‌های عده‌ای از مخالفان داخل گروه مجاهدین همراه بود و اکثریت نهادهای دولتی از سوی گروه‌های فرصت‌طلب مخالف به تاراج و یغما رفت و صرف تعمیر‌های میان خالی باقی مانده بود. دو ماه بعد از آغاز دولت، صف‌بندی و جنگ‌های داخلی و خانه به خانه در پایتخت آغاز شد و تا میزان ۱۳۷۵ کماکان ادامه یافت. در دو سال اول از این دوره، تمام مکاتب و دانشگاه‌ها به روی شاگردان و دانشجویان بسته بود. تقسیمات حاکمیت به شکل کوچه‌ای و ناحیه‌ای بود و هر قوماندان و رهبر صرف در ناحیه و کوچه‌ای حاکمیت داشت و حکومت از نظر ساختار و نظام مدیریتی کاملاً از هم فرو پاشیده بود.

بود. بازرسی‌های سر چهارراه‌ها از طرف روز و ورود غیرمترقبه شبانه پولیس و امنیت به خانه‌های مردم باعث شده بود تا داستان مهاجرت‌های شبانه از مرزهای کشور آغاز شود. در این دوره، سربازی دور دوم (دوره سربازی احتیاط) اعلام و عملی شد و هر مرد افغان دوبار باید به سربازی می‌رفت. جنگ سرد و گرم میان رژیم حاکم و مخالفان در ولایات هم‌مرز با پاکستان و ایران آغاز شده بود و نیروهای اتحاد جماهیر شوروی در بعضی ولایات با خیال راحت نفس می‌کشیدند و طبق توافقی، درگیری بین آنان و مجاهدین به چشم نمی‌خورد. ملاقات‌های مخفیانه نماینده‌گان کی‌جی‌بی با سران رهبران مجاهدین مستقر در داخل افغانستان با میانجی‌گری‌های نیروهای تاجیکستانی وابسته به اتحاد جماهیر شوروی انجام و تغییر راهبرد در عمل‌کرد آنان حس می‌شد.

در این دوره، رژیم بیش‌تر در سایه تصمیم‌گیری‌های جلسات و «پولینوم»های حزب حاکم در رژیم، فعالیت داشت و محدوده جغرافیایی خود را به نحوی حفظ می‌کرد.

در این دوره با آن‌که نرخ مهاجرت سه برابر افزایش یافته بود؛ اما هنوز کارخانه‌های صنعتی وجود داشت و میزان بیکاری حداقل بود.

بالاخره، سال ۱۳۶۵ در یک روند مسالمت‌آمیز حزبی، قدرت از ببرک کارمل به داکتر نجیب‌الله انتقال یافت. با روی کار آمدن داکتر نجیب‌الله و تغییر نام حزب حاکم به «حزب وطن»، مظالم و اختناق روانی حاکم در دوره‌های قبلی تا حدی کاهش یافت و آزادی بیان با انتشار چند ماهنامه و هفته‌نامه و روزنامه مانند سباوون، اخبار هفته، نگاه، شوخک، سلام، نوای صبح و… ظاهراً به صورت نمادین تمثیل شد. با این همه، هنوز افغانستان یک رادیو و تلویزیون داشت که در اختیار رژیم حاکم بود.

«مصالحه ملی»، خروج نیروهای روس از افغانستان و تدویر جرگه‌ها از دست‌آوردهای این دوره بود. در این دوره، اداره امنیت ملی به جای سخن‌چینی در ادارات دولتی و محلات و تشدید جنگ روانی، روی مذاکره با فرماندهان محلی مایه گذاشته بود و مقدمات خریداری فرماندهان مشهور را با مذاکره در بدل پول فراهم می‌کرد.

تعداد زیادی از فرماندهان در این دوره از دو کوزه‌ی درآمد، آب می‌خوردند: کوزه امریکا که به عنوان «جیره» از سوی آی‌اس‌آی پاکستان در حد چند کلدار و دالر و مرمی و اسلحه بود و کوزه شکاف‌دار رژیم حاکم که شامل اسلحه، مرمی و پول نقد می‌شد.

انعطاف‌پذیری نسبی داکتر نجیب‌الله باعث شده بود تا فرد مورد اعتماد او (جنرال شهنواز تنی) با اشاره پاکستان دست به کودتای ناکام سال ۱۳۶۹ بزند و بعد با چرخ‌بال متواری و به مهمان‌خانه آی‌اس‌آی پاکستان زندانی شود.

جلسات و سفرهای نماینده‌گان سازمان ملل در افغانستان، تغییر در سیاست خارجی رژیم گورباچف و مذاکرات طولانی میان نجیب‌الله و طرف شوروی، منجر به خروج نیروهای اتحاد جماهیر شوروی از

افغانستان شد. با خروج نیروهای روس از افغانستان و سرعت مذاکرات رژیم با مجاهدین، تشکیلات و حلقات تازه‌ای در درون رژیم در حال شکل گرفتن بودند.

حلقات تازه در درون رژیم حس سمتی و ملیتی یافتند و هرکدام سعی داشتند تا گروه خاصی از مجاهدین که نماینده‌گی از ملیت و سمت خاصی داشت، در انتقال قدرت از رژیم داکتر نجیب‌الله به مجاهدین سهم بارز و خطیری را به دوش بگیرد. تا این‌که مجموعه دیدگاه‌های حلقات نابرابر و سمت‌گرا که رنگ و بوی معامله داشت، باعث متواری شدن شب‌هنگام داکتر نجیب‌الله از ارگ به میدان هوایی و مخالفت نظامیان مستقر در میدان هوایی با این اقدام وی و پناه بردن او به دفتر سازمان ملل شد.

خلای قدرت، تجربه دو ماهه‌ای بود که رژیم عملاً با آن دست و پنجه نرم می‌کرد.

مجاهدین شتابان، نفس سوخته و چریکی در هفتم ثور ۱۳۷۱ وارد کابل شدند و قدرت رسماً در هشتم ثور ۱۳۷۱ توسط معاونین رییس جمهور (داکتر عبدالواحد سربای و سلیمان لایق و…) به مجاهدین طی محفلی انتقال کرد و صبغت‌الله مجددی به عنوان رییس دولت، زمام امور را به دست گرفت.

روزهای نخست دولت مجددی با راکت‌پراکنی‌های عده‌ای از مخالفان داخل گروه مجاهدین همراه بود و اکثریت نهادهای دولتی از سوی گروه‌های فرصت‌طلب مخالف به تاراج و یغما رفت و صرف تعمیر‌های میان خالی باقی مانده بود. دو ماه بعد از آغاز دولت، صف‌بندی و جنگ‌های داخلی و خانه به خانه در پایتخت آغاز شد و تا میزان ۱۳۷۵ کماکان ادامه یافت. در دو سال اول از این دوره، تمام مکاتب و دانشگاه‌ها به روی شاگردان و دانشجویان بسته بود. تقسیمات حاکمیت به شکل کوچه‌ای و ناحیه‌ای بود و هر قوماندان و رهبر صرف در ناحیه و کوچه‌ای حاکمیت داشت و حکومت از نظر ساختار و نظام مدیریتی کاملاً از هم فرو پاشیده بود.

در این دوره پنج ساله، حدود دو میلیون نفر، تن به مهاجرت دادند و بیش از شش میلیون نفر در زمره بی‌جاشده‌گان داخلی قرار گرفتند. براساس آمار اداره صلیب سرخ، حدود ۱۶۰ هزار نفر در صف‌بندی‌های مجاهدین در جنگ‌های خانه به خانه در کابل و ولایات کشته و بیش از ۱۴۳ هزار نفر معلول، معیوب و مصدوم جنگ شناخته شدند. همه صنایع و کارخانه‌ها سقوط کرد، تورم مالی و بیکاری و مهاجرت پنج برابر افزایش یافت و امنیت مالی و جانی به صفر تقرب کرد. در این دوره، دو نوع پول بی‌ارزش و بی‌پشتوانه در افغانستان رایج بود: پول فرسوده‌ای که از رژیم داکتر نجیب‌الله به جا مانده بود و پولی که توسط جنبش شمال (احتمالاً در ترکیه یا ترکمنستان) به چاپ می‌رسید.

گرایشات ملیتی، جناحی، سمتی، مذهبی و خویشاوندی در این دوره پنج ساله پایهریزی شد و رشد و توسعه هرچه بیش‌تر یافت.

در ماه میزان ۱۳۷۵، طالبان از چهارآسیاب کابل با پرچم‌های سفید، دستار و چشمان سرمه شده و مسواک‌های برآمده از جیب، با دود و خاک جاده‌های خامه و دودآلود، به پایتخت وارد شدند و زمام امور را به دست گرفتند. اختناق دوره تره‌کی و امین دوباره حاکم شد و زنان همه خانه‌نشین شدند. گشت (گزمه) نهی از منکر این گروه از دور با شلاق‌ها و چشمانی از حدقه برآمده دیدن داشت. کار خاص گشت نهی از منکر کنترل بند پاهای برهنه زنان از زیر چادری، بدون محرم نبودن زنان در خیابان‌ها و مراکز خرید، بررسی طول ریش مردان و بررسی فیزیکی طهارت و وضوی مردان هنگام نماز ظهر در مراکز شهر بود. نماز اجباری و از روی ترس در اماکن کسب‌وکار و محلات تردد افراد به وضوح دیدن داشت. محکمه صحرایی و آنی (مثل ضرب شلاق، قطع دست، اعدام و…) جزو اقدامات اصلی این دوره بود و محافل خوشی و سرور مردم بیش‌تر به صورت مخفیانه و در پستوخانه‌ها و در نبود موسیقی برگزار می‌شد. این گروه ورودشان را به پایتخت، با وارد شدن به دفتر سازمان ملل و اعدام داکتر نجیب‌الله و برادرش (که تحت حمایت سازمان ملل قرار داشتند) در مرکز شهر جشن گرفت.



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com

0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت،...)
- سئو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، گولایی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر



تهیه غذاهای باکیفیت با نازل‌ترین قیمت
برای محافل رسمی و شخصی

آشپزخانه مادر یکی از مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است.

آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب‌ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل‌ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶

آدرس: سرک اول کار ته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی

شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

• کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

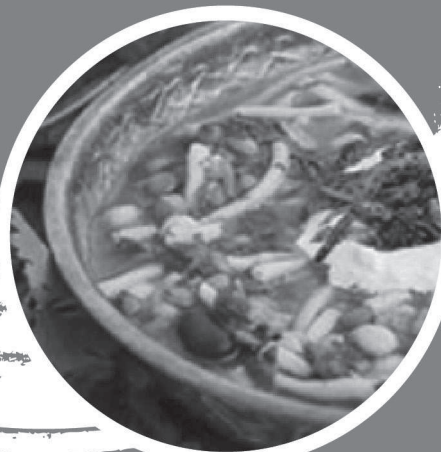
آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

آش دلپذیر

یک بار امتحان کنید
بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابہ مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه
محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی
شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸



نگاه‌ به فهم نظری خشونت‌ورزی گروه‌ها‌ی رادیکال اسلامی از منظر اندیشمندان غربی

♦ نسیم بهمن، دانشجوی دکترای علوم سیاسی

در دورانی زنده‌گی می‌کنیم که خیزش‌های خشونت‌طلب اسلامی رو به گسترش هستند و عامل اصلی تهدید برای ثبات و نظم جهان کنونی به شمار می‌روند. القاعده، طالبان، بوکوحرام و اخیراً داعش، نمونه‌های بارز این نوع جریان‌های خشونت‌طلب هستند. در زمینه فهم نظری جریان‌های خشونت‌طلب، مطالعات زیادی در سال‌های اخیر در غرب انجام یافته است. یافته‌های این مطالعات پیرامون فهم نظری جنبش‌های خشونت‌طلب اسلامی از نظر شناخت‌شناسی به دو دسته کلی تقسم می‌شود.

رویکرد نخست‌ی که به عنوان رویکرد ذات‌گرایانه شناخته می‌شود، خشونت‌طلبی در گروه‌های رادیکال اسلامی را ناشی از عامل درون‌دینی تلقی می‌کند. در حالی که رویکرد دوم، خشونت‌طلبی را محصول شرایط محیطی و عوامل بیرون‌دینی تلقی می‌کند. در این نوشته تلاش می‌شود تا براساس این دو رویکرد، گرایش به خشونت‌طلبی در میان گروه‌های رادیکال اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرد. با بهره‌گیری از فهم نظری ذات‌گرایانه و محیط گرایانه، در این نوشته تلاش می‌شود تا امکان شناخت بهتر از ریشه‌های خشونت‌طلبی در میان گروه‌های رادیکال فراهم شود. بنابراین، در این نوشته مبانی معرفت‌شناختی و نظری خشونت‌ورزی جهادیسـم اسلامی از دیدگاه نظریه‌پردازان غربی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فهم نظری خشونت‌ورزی

در مورد منشأ خشونت‌طلبی گروه‌های رادیکال در جهان اسلام، دو رویکرد متفاوت وجود دارد که هرکدام به جنبه‌های درون‌دینی و بیرون‌دینی خشونت‌ورزی گروه‌های رادیکال پرداخته است که به صورت جداگانه آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- رویکرد ذات‌محور

رویکرد نخست بر جنبه‌های ذاتی مسأله خشونت‌ورزی تمرکز دارد. اندیشمندان در این رویکرد، عامل اصلی گرایش به خشونت‌طلبی در میان گروه‌های رادیکال اسلامی، مانند داعش، القاعده و طالبان را ناشی از ویژه‌گی‌های ذاتی دین اسلام و ناسازگاری آموزه‌های دین اسلام با مدرنیسم می‌دانند. از نظر این دسته اندیشمندان، اساساً هیچ نوع سنخیت میان آموزه‌های دین اسلام با اصول جهان مدرن مانند (آزاد اندیشی، فردگرایی و عقلانیت مدرن) وجود ندارد. به این اساس، این رویکرد عامل درون‌دینی را در خشونت‌ورزی گروه‌های رادیکال تأثیرگذار می‌داند. به عنوان مثال، از نظر برنارد لوئیس «خشونت‌طلبی در میان گروه‌های رادیکال اسلامی ریشه در اصول بنیادین دین اسلام دارد؛ زیرا استفاده از خشونت علیه غیرمسلمانان در اسلام مشروع پنداشته شده است.» از این‌رو، می‌توان بیان کرد که به باور برنارد لوئیس خشونت‌ورزی از متن دین و اصول و مبانی ارزش‌های اسلامی برمی‌خیزد. (لوئیس، ۱۹۸۸: ۱۲)

یکی دیگر از نظریه‌پردازان ذات‌گرا، جک نلسون پالمیر است. جک نلسون پالمیر در کتاب خود تحت عنوان «آیا دین ما را می‌کشد»، به ارزیابی مقایسه‌ای منشأ خشونت در دین مسیحیت، یهودیت و اسلام پرداخته است. پالمیر در مقدمه کتاب خود بیان داشته است: «یک فیل ناشناخته در درون اتاق یکتاپرستان جهان وجود دارد که هرکس به گونه‌ای آن را توصیف و تبیین می‌نماید.» پالمیر از بحث تطبیقی در اثر خود نتیجه می‌گیرد که خداوند معرفی شده در قرآن بر خشونت اصرار دارد، تا این‌که مهربان و رحیم باشد. جک نلسون پالمیر این ادعای خود را به ریشه‌های خشونت‌طلبی گروه‌های رادیکال اسلامی تعمیم می‌دهد و به این باور است که گروه‌های رادیکال اسلامی بدون تحریف متن، به آنچه که از قرآن می‌آموزند، عمل می‌کنند. (پالمیر، ۲۰۰۳) بنابراین، به باور پالمیر خشونت‌طلبی ریشه در متون دینی دارد.

سرگئی تریفکووچ روسی، از دیگر نظریه‌پردازان متمایل به رویکرد ذات‌محور به شمار می‌رود. تریفکووچ در اثر خود به نام «شمشیر پیامبر»، گسترش اسلام را در جهان محصول شمشیر پیامبر می‌داند. به باور این نظریه‌پرداز، تأکید مسلمانان بر جهاد، چیزی جز خشونت‌طلبی و خون‌ریزی بیش‌تر

نیست. تریفکووچ در اثر خود مدعی است که خدای مسلمانان فقط مومنان را دوست دارد. به باور او، خدای ادیان دیگر از جمله مسیحیت همه موجودات را دوست دارد و به همه موجودات پیام آزادی و آزاد زیستن داده است. تریفکووچ معتقد است که خدای مسلمانان پیروان ادیان دیگر را از درگاه خود رانده و به مرگ آتشین محکوم کرده است. (تریفکووچ، ۲۰۰۲)

دون ریچاردسون، یکی دیگر از نظریه‌پردازان رویکرد ذات‌گرا است. ریچاردسون در اثر خود تحت عنوان «اسرار قرآن»، تلاش کرده است تا مبانی گرایش مسلمانان، به ویژه گروه‌های رادیکال اسلامی به خشونت‌ورزی را مورد ارزیابی قرار دهد. ریچاردسون در اثر خود یادآور شده است که پس از ۱۱ سپتامبر، قرآن نه تنها در جهان عرب، بلکه در جوامع غربی نیز به یکی از پر فروش‌ترین کتاب‌ها مبدل شده است. به باور ریچاردسون، خواننده‌گان غربی به دنبال این سوال هستند که قرآن حاوی چه مطالبی است که گروه‌های رادیکال اسلامی، مانند القاعده با استنباط از آن خشونت‌ورزی و اقدامات تروریستی را مشروع می‌دانند و به آن اقدام می‌کنند. ریچاردسون در کتاب «اسرار قرآن» به بررسی ریشه‌های خشونت‌ورزی می‌پردازد و پس از بررسی نشان می‌دهد که در قرآن ۱۰۹ آیه در مورد جهاد وجود دارد (یعنی از هر ۵۵ آیه یک آیه مربوط به جنگ و جهاد است). ریچاردسون ادعا می‌کند که متولیان دین اسلام با استفاده از این آیات مسلمانان را تحریک می‌کنند تا غیرمسلمانان را مجبور به تغییر دین و پذیرفتن دین اسلام کنند و در صورت لزوم از اعمال خشونت نیز در این راستا بهره می‌گیرند و از آن ابایی ندارند. (ریچاردسون، ۲۰۰۸)

نویسنده دیگر به نام کلود بورگن در مقاله خود تحت عنوان «جهاد، اسلام‌گرایی و اسلام» ریشه خشونت‌طلبی گروه‌های رادیکال اسلامی را ناشی از ذات دین اسلام و قرآن می‌داند. در این مقاله بورگن مدعی است که در قرآن آیاتی وجود دارد که زمینه‌ساز ترغیب مسلمانان به خشونت و تنش می‌شود. بورگن در مقاله خود یادآور می‌شود که مفاهیم کلیدی مانند جهاد و شهادت، بارها و بارها در قرآن به صورت مکرر آمده و این نشان دهنده آن است که قرآن از یک‌سو مسلمانان را به جنگ با دشمنان دین ترغیب می‌کند و از سوی دیگر، مسلمانان را مژده می‌دهد که از جنگ و کشته شدن در راه دین هراس در دل راه ندهند. (نقیب‌زاده، ۲۰۰۵)

به این اساس می‌توان نتیجه گرفت که براساس پنداشت ذات‌گرایانه، خشونت‌ورزی و توسل به خشونت بیش از آن‌که صرفاً یک عمل واکنشی و منفعلانه باشد، پدیده فعال است که در نتیجه قرائت از متن دین و اصول و آموزه‌های دینی برمی‌خیزد.



رویکرد نخست‌ی که به عنوان رویکرد ذات‌گرایانه شناخته می‌شود، خشونت‌طلبی در گروه‌های رادیکال اسلامی را ناشی از عامل درون‌دینی تلقی می‌کند. در حالی که رویکرد دوم، خشونت‌طلبی را محصول شرایط محیطی و عوامل بیرون‌دینی تلقی می‌کند. در این نوشته تلاش می‌شود تا براساس این دو رویکرد، گرایش به خشونت‌طلبی در میان گروه‌های رادیکال اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرد. با بهره‌گیری از فهم نظری ذات‌گرایانه و محیط گرایانه، در این نوشته تلاش می‌شود تا امکان شناخت بهتر از ریشه‌های خشونت‌طلبی در میان گروه‌های رادیکال فراهم شود. بنابراین، در این نوشته مبانی معرفت‌شناختی و نظری خشونت‌ورزی جهادیسـم اسلامی از دیدگاه نظریه‌پردازان غربی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- رویکرد محیط محور

رویکرد دوم، ریشه خشونت‌ورزی گروه‌های رادیکال را ناشی از عامل بیرون‌دینی می‌پندارد. براساس این رویکرد، گرایش خشونت‌طلبانه در میان گروه‌های رادیکال اسلامی، واکنشی نسبت به تغییرات محیطی و فشار ناشی از عوامل خارجی است. براساس دیدگاه نظریه‌پردازان رویکرد دوم، گسترش موج خشونت در جهان اسلام محصول ترکیبی از بحران‌های داخلی جوامع اسلامی و رویارویی مسلمانان با تمدن مدرن است. به این منظور، به برخی از نظریه‌های این دسته اندیشمندان در این‌جا اشاره می‌کنم. ریچارد هرایر دکم‌جیان، از جمله نظریه‌پردازانی است که معتقد است عواملی مانند بحران هویت، بحران مشارکت و بحران مشروعیت نقش تأثیرگذار هم در ظهور جنبش‌های رادیکال در جهان اسلام داشته و هم عامل تشدید خشونت در جوامع اسلامی بوده است.

دکم‌جیان در اثرش تحت عنوان «جنبش‌های اسلامی در جهان معاصر» معتقد است که نوع رابطه علی میان بحران‌های موجود در جوامع اسلامی و خیزش‌های رادیکال اسلامی وجود دارد. این نظریه‌پرداز به این باور است که خیزش‌های بنیادگرا در جهان امروزی حاصل مخالفت با نظم موجود در جهان مدرن است. از این‌رو، توسل گروه‌های رادیکال به خشونت، واکنشی در جهت از میان برداشتن نظم موجود است. (دکم‌جیان، ۱۹۹۸: ۳۱)

برخی متفکران مانند بابی سعید، رادیکالیسم اسلامی را واکنشی نسبت به بحران هژمونی غرب می‌پندارد. بابی سعید در اثر معروفش «روپامداری و هراس بنیادین»، با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان شانتال موفه، رشد جریان‌های خشونت‌طلب اسلامی را محصول مرکزیت‌زدایی از مدرنیته غربی (غرب‌محوری) می‌پندارد. (سعید، ۲۰۰۰) به این اساس، می‌توان گفت که سلطه هژمونیک غرب در پیدایش گروه‌های خشونت‌طلب و رادیکال اسلامی اثرگذار بوده است.

برخی دیگر از اندیشمندان، ناکامی کشورهای اسلامی در روند تحقق نوسازی سیاسی را عامل تقویت گرایش رادیکالیسم خشونت‌طلب در میان مسلمانان می‌دانند. سی. رایت میلز، از جمله این نظریه‌پردازان است که رشد رادیکالیسم اسلامی را ناشی از شکست دو جریان نوسازی و ملی‌گرایی می‌داند. میلز به این باور است که شکست دو جریان نوسازی و ناسیونالیسم باعث شد که دین در جهان سوم دوباره احیا شود و بازگشت به دین ناشی از سرخورده‌گی عمیق چون عدم تحقق اصلاحات و نوسازی، سرکوب سیاسی و وضعیت نابسامان اقتصادی است. از دیدگاه این نظریه‌پرداز، دین همچو ابزاری برای دفع اضطراب‌های موجود در جوامعی در حال گذار اسلامی مورد اقبال

قرار گرفته است. (هاینس، ۱۹۹۹)

باری بوزان، یکی دیگر از نظریه‌پردازانی است که عوامل محیطی را در بروز جریان‌های رادیکال خشونت‌طلب اثرگذار می‌داند. باری بوزان در مقاله خود تحت عنوان «ساختار کشمکش‌زای خاورمیانه»، به بررسی رشد جنبش‌های رادیکال و گسترش خشونت در جوامع اسلامی پرداخته است. بوزان مهم‌ترین عامل ظهور رادیکالیسم و ریشه خشونت در جوامع اسلامی را ناشی از ساختار امنیتی خاورمیانه می‌داند. به باور این نظریه‌پرداز منازعات ساختاری در خاورمیانه ناشی از اختلافات مرزی، رقابت‌های ایدئولوژیک، جنگ قدرت و اختلافات قومی و فرهنگی است. به باور بوزان گروه‌های مختلف اجتماعی در منطقه با بهره‌گیری از وضعیت بحرانی به وجود آمده در منطقه در تلاش هستند تا با استفاده از خشونت، دامنه نفوذ خود را گسترش دهند. (بوزان، ۲۰۰۰)

ژول میگدال، نیز از نظریه‌پردازانی است که موجودیت دولت‌های ضعیف و جامعه قدرتمند را در شکل‌گیری گروه‌های رادیکال و خشونت‌طلبی اثرگذار می‌داند. به باور میگدال نوعی شکاف ساختاری میان دولت و ملت در جوامع اسلامی، به ویژه خاورمیانه وجود دارد که در نهایت به تشدید خشونت منجر شده است. (میگدال، ۱۹۸۷)

در کل، طرف‌داران نظریه محیطی معتقد هستند که عواملی مانند ناکارآمدی دولت‌ها، فساد گسترده و سرکوب سیاسی سبب گرایش به شورش و خشونت سازمان‌یافته در جوامع اسلامی شده است. موجودیت دولت‌های ضعیف و ناکارآمد زمینه‌ساز فضای هرج‌ومرج در جوامع خاورمیانه شده و فضا را برای گروه‌های خشونت‌طلب مساعد ساخته است.

نتیجه‌گیری

در این نوشته نشان داده شد که دو رویکرد پیرامون فهم معرفت‌شناسانه و نظری از جنبش‌های خشونت‌طلب اسلامی وجود دارد. رویکرد ذات‌گرایانه، خشونت‌ورزی در جریان‌های اسلام‌گرای رادیکال را جزو ذات اسلام قلمداد می‌کند. از دید این رویکرد، مفاهیمی مانند جهاد و شهادت در متون دینی موجب ترغیب مسلمانان به خشونت‌ورزی شده است. در حالی که رویکرد محیط گرایانه، ناتوانی دولت‌ها در نهادینه کردن نوسازی سیاسی، توسل به سیاست سرکوب، گسست تمدنی و سرخورده‌گی هویتی در میان مسلمانان را عامل گرایش به خشونت‌ورزی پنداشته است.

منبع‌ها

- Bernard, Lewis, (1988), The Political Language of Islam. Chicago: University ofChicago Press.
- Buzan, Barry (2000), The Middle East: A Perennial Conflict Formation, Cambridge University Press.
- Dekmejian, R. Hrair (1998), Islam in Revolution: Fundamentalism in the Arab World, Syracuse University Press.
- Migdal, Joel S. (1987): Strong States, Weak States: Power and accommodation. In: Weiner, Myron; Huntington, Samuel P. (eds.): Understanding political development. Boston, Toronto: Little, Brown & Co.
- Trifkovic, S. (2002),The Sword of the Prophet: History, Theology, Impact on the World. Regina Orthodox Press.
- Haynes, Jeff (1999), Religion, Globalization and Political Culture in the Third World, Palgrave Macmillan, London Press.
- Naghib Zadeh, Ahmad (2005), The Image of Islam and Muslims in French Language Literature after September 11, 2001 Tehran: Organization of Islamic Culture and Communication. (in Persian).
- Pallmeyer, Jack Nelson (2003), Is Religion Killing Us?, Bloomsbury Academic publish.
- Saeed, Bobby (2000). Fundamental fear: Europeanism and the rise of Islamism. Translated by QolamrezaJamshidiha and Musa Anbari, Tehran: University of Tehran Press. (in Persian).
- Richardson, Don (2008), The Secrets of the Koran, Regal Books publish.



دختره از قندهار؛

سری در سودای آموزش

سبک و آرام به دور خود می‌چرخد و با هر حرکت موزون باله، آرزوهای بزرگی را در سر می‌پروراند. کودکانه آرزوهای قشنگی را مانند گلی در دلش آب می‌دهد. می‌خواهد تمام کودکان، تمام هم‌نسل‌هایش مانند پرندۀ آزاد باشند، بخندند، برقصند، سبک و بی‌پروا پرواز کنند. آرزوی حمیده کوچک این است که هیچ کودکی با نام جنگ آشنا نباشد و هیچ دغدغه‌ای به جز آزادی‌های کودکانه در سر نداشته باشند.

حمیده علوم‌ی نزدیک به بیست سال پیش در قندهار به دنیا آمد. سال‌های نخست کودکی‌اش را در شهر سنتی و بسته قندهار در ناامنی و نگرانی سپری کرد. او مانند بسیاری از کودکان افغانستان با ترس از انفجار و انتحار، شب‌ها و روزهای سیاه و تاریک را پشت سر گذاشت. وقتی چهار سال داشت، شاهد انفجاری بود که منجر به کشته شدن شماری از کودکان محله‌شان شد؛ کودکانی که تا لحظاتی پیش غرق در بازی‌های کودکانه بودند. در چهارساله‌گی، قلب کوچک او با غم و غصه سنگینی آشنا شد و نگاه‌های کودکانه‌اش را ترس، جنگ و انفجار فراگرفت.

وضعیت ناامن و انفجارهای پی‌هم در شهر هیچ‌گاهی اشتیاق کودکانه او به آموزش را کم نکرد. مکانی بدون در و دروازه و چوکی و وسایل آموزشی، نخستین روزهای ورود او به دنیای آموزش و مکتب را رقم زد. یاد و خاطرات حمیده از مکتب که در آن‌جا آموزش‌های نخستینش را آغاز کرد، چیزی فراتر از یک ویرانه نبود. حمیده دو سال نخست را در قندهار درس خواند و آن‌گونه که خود می‌گوید، علاقه شدید کودکان محله که بدون درنظرداشت وضعیت نامناسب مکتب هنوز هم با عشق و لب‌خند به سوی مکتب می‌رفتند، برای او انگیزه آموختن بخشید.

هنوز کودک بود که خانواده‌اش از قندهار به کابل

کوچید. او از این کوچ خوشحال بود، چون از خانواده‌اش شنیده بود که در کابل وضعیت آموزشی بهتر از قندهار است و شمار دخترانی که به مکتب می‌روند، بیش‌تر است. با این حال، نخستین تجربه حمیده در یکی از مکاتب در شهر کابل برایش عجیب بود. او به زودی پی برد که مکتب کابل آن مکان رویایی او نیست. کمبود مواد درسی، آموزگاران کم‌تجربه و کیفیت پایین درس، او را مایوس کرد. وقتی با پدرش در مورد ساعات بیکاری که در مکتب می‌گذراند و این‌که آموزگارش حتا قادر نیست واژه‌ها را درست تلفظ کند و برای‌شان آموزش دهد حکایت کرد، پدر اوج اشتیاق او به آموزش و موجی از ناامیدی را هم‌زمان در چشمانش خواند.

به زودی مکان آموزشی حمیده عوض شد. او به مکتب بین‌المللی کابل که از وضعیت بهتر آموزشی برخوردار بود، رفت و به ادامه آموزش پرداخت. در آن‌جا زبان انگلیسی آموخت و با رقص باله و ورزش‌های مختلف آشنا شد. زمانی که هنوز سن‌وسال کمی داشت، عضو تیم باسکتبال مکتب شد. در آن مکتب او از امکانات خوب آموزشی و برنامه‌های تفریحی برخوردار بود، اما فکر و ذهنش مشغول کودکانی بود که زیر آفتاب سوزان و بی‌هیچ امکانات آموزشی، درس می‌خوانند. هم‌چنان او در دنیای کودکانه‌اش به دخترانی فکر می‌کرد که رفتن به مکتب برای‌شان فقط یک آرزو بود. در سال ۲۰۱۵ به دلیل تهدیدهای امنیتی به شاگردان و آموزگاران مکتب بین‌المللی کابل، دروازه این مکتب برای همیشه بسته شد. حمیده سیزده‌ساله از شنیدن این خبر دنیای خود را سیاه و تاریک دید. او این را با تمام وجودش احساس کرد که دیگر نمی‌تواند به صنف‌هایی که با نقاشی‌های رنگی‌شان مزین بود، برگردد؛ دیگر نمی‌تواند باسکتبال بازی کند و باله



ماریا شهسوار کاوه

برقصد. حمیده دو سال از تمام آرزوهایش دور ماند، نه مکتب و نه مکانی برای تفریح و ورزش در دسترس داشت.

پس از آن، زمانی که حمیده پانزده سال داشت، با خانواده‌اش به امریکا مهاجرت کرد. او مانند هزاران مهاجر دیگر با چالش‌هایی چون آشنایی با محیط و فرهنگ جدید، انطباق با آن، آشنایی با زبان و امثال آن روبه‌رو شد. در محیط جدید به دلیل پیشینه آموزش زبان انگلیسی، به زودی این زبان را آموخت و توانست درس‌هایش را این بار در یک محیط نو از سر بگیرد. طولی نکشید که با محیط جدید عادت کرد و دوستان زیادی یافت، اما هرگز دغدغه و نگرانی کودکان افغانستان از سرش بیرون نشد. او با دوستانش از دخترانی قصه می‌کرد که در زیر آفتاب سوزان قندهار و یا در صنف‌های شکسته و بی‌دروپیکر کابل درس می‌خوانند. حمیده برای دوستانش از آرزوهای کودکانی گفت که برای رفتن به مکتب و فراگیری آموزش حتا توان تقلا را ندارند و از آموزش محروم‌اند. برای دوستانش از آرزوهای خودش گفت؛ این‌که می‌خواهد هیچ کودکی در افغانستان از آموزش محروم نم‌اند.

حمیده می‌گوید: «وقتی می‌بینم در افغانستان کودکان هم درس می‌خوانند و هم کار می‌کنند، این روی من اثر بدی می‌گذارد. تفاوت کودکان در امریکا با افغانستان این است که این‌جا کودکان برای آموزش سختی و دشواری نمی‌بینند، اما در افغانستان، اول این‌که دسترسی به این حق اساسی به ساده‌گی میسر نیست. هم‌چنان، شمار زیادی از کودکان نان‌آوران خانواده‌های‌شان هستند و مشغول کارهای شاقه‌اند. آنانی هم که چانس رفتن به مکتب را دارند، از امکانات خوب درسی برخوردار نیستند. این تفاوت برای منی

زن افغان در برابر آیینهای شکسته در اروپا

عمده‌ترین دلایلی است تا این زنان به خواسته‌های نادرست همسران‌شان تمکین کنند.

لازم به ذکر است که در این میان باید عوامل فرهنگی را نیز مؤثر دانست؛ به عنوان مثال ازدواج زودرس که یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های فعالان فرهنگی افغان است، در خارج از این کشور نیز در سرنوشت زنان دخیل است. شاید بتوان گفت پدیده «کودک‌همسری» به دو شکل بر زنان مهاجر افغان اثر گذاشته است: نخست این‌که برخی از آنان خود در دوران کودکی به اجبار ازدواج کرده‌اند و قربانی این پدیده بوده‌اند. این دسته از زنان با انبوهی از آسیب‌های روحی و روانی ناشی از ازدواج ناخواسته مهاجرت کرده‌اند و به این علت که معمولاً به همراه همسران‌شان هستند، رشته شکنجه‌های روحی و روانی در وجودشان ادامه دارد. پدیده کودک‌همسری یا ازدواج زودرس به یک شکل دیگر نیز بر زیست فردی زن افغان در خارج از کشورش تأثیر دارد. شکل دوم این اثرگذاری به این ترتیب است که خانواده‌های افغان، در برخی از موارد در یک کشور دیگر کودکان‌شان را به عقد یک مرد درمی‌آورند، آن هم در شرایطی که دختر از بلوغ جنسی و عاطفی برای ازدواج برخوردار نیست. اگرچه در کشورهای توسعه‌یافته چنین ازدواج‌هایی مشروعیت قانونی ندارند، اما دختران افغان به دلیل برآورده ساختن تصمیمات خانواده، به این ازدواج‌ها تن می‌دهند.

این دو شکل از تأثیرگذاری نیز از دیگر نتایج این پژوهش بوده است. بنا بر یافته‌های این تحقیق، دختران افغانی که به اجبار یا خواست پدر یا دیگر اعضای خانواده به عقد مرد افغان در کشور اتریش درمی‌آیند، می‌توانند با ارایه شکایت و دادخواست، مورد حمایت دولت اتریش قرار بگیرند. با این وجود، به گفته پژوهشگر این تحقیق، نتایج حاصل از گفت‌وگو با شماری از دختران کودک که در اتریش ازدواج کرده‌اند، نشان می‌دهد که آن‌ها از وجود قوانین این کشور در برابر چنین ازدواج‌هایی بی‌خبر بوده‌اند. زنان افغان در اتریش با پدیده‌هایی مانند «ضرب‌و‌شتم»

که تجربه تلخ آن را دارم، خیلی آزاردهنده است.»

بالآخره حمیده به فکر این افتاد تا کاری برای کودکان انجام دهد. او در این اواخر نهاد کمک به افغانستان (AFG-AID) را برای جلب کمک به معارف افغانستان ایجاد کرد تا از این راه برای آموزش کودکان در افغانستان کمک کند. تازه‌ترین کارش در این نهاد، جمع‌آوری مواد درسی برای کودکان در افغانستان است. قرار است به زودی مقداری قرطاسیه را به افغانستان برای شاگردان مکتب بفرستد. هم‌چنان کار جمع‌آوری اغانه برای ایجاد یک مرکز کمپیوتر و کتابخانه برای کودکان در افغانستان را نیز آغاز کرده است.

در کنار آن حمیده در یکی از شبکه‌های اجتماعی یک گروه ساخته است و به صورت آنلاین کودکان را در افغانستان انگلیسی آموزش می‌دهد. او آموزش را بنیادی محکم برای صلح می‌داند: «آموزش و صلح با هم پیوند دارند. برای من آموزش امروز، فردای دنیا را تغییر می‌دهد و برای تروریستان، جلوگیری از آموزش به معنای چشم‌پ بستن به روی دنیا است.»

او که اوضاع افغانستان را با اشتیاق دنبال می‌کند، می‌گوید که پیش‌رفت‌های زنان در سال‌های پسین قابل قدر است و همین زنان در برابر کسانی که حق‌شان را سلب می‌کنند، به پا خواهند خاست و به عقب برنخواهند گشت. حمیده باور دارد با آن‌که تغییرات زمان‌گیر است، اما تلاش زنان برای دسترسی به حق‌شان یک اقدام نیک و امیدوارکننده است.

حمیده هفته پیش در یک جمع بزرگ که از سوی صلیب سرخ امریکا برگزار شده بود، از آرزوهایش برای آینده کودکان و امکان بخشیدن به زمینه‌های درسی آنان گفت. او گفت که فردای دنیا وابسته به راهی است که انسان‌ها امروز می‌پیمایند و باید در این راه همه مسوولانه گام بردارند. او از همه خواست تا در زمینه آموزش کودکان در هرجای دنیا تلاش کنند و سهم بگیرند.

حمیده آرزوهای زیبایی در سر دارد: «به علوم اجتماعی علاقه‌مند هستم و می‌خواهم کارشناسی‌ام را در همین زمینه از دانشگاه کلمبیا به دست بیاورم. آرزو دارم به تمام کودکان دنیا که از جنگ صدمه دیده‌اند، کمک بکنم. می‌خواهم برنده جایزه نوبل شوم و روزی رییس جمهور افغانستان باشم.»



داکتر بهناز حسینی

«قتل‌های ناموسی»، «ازدواج زودهنگام» و بسیاری از آسیب‌های فرهنگی و خشونت‌های خانگی همراه بوده‌اند. مهاجران افغان با مشکلاتی روبه‌رو هستند که سال‌ها است در زیر سایه سنگین جنگ مخفی مانده است. پرداختن به چنین مقولاتی، از این حیث مهم است که در صورت آشنا شدن زنان افغان با حقوق‌شان در کشورهای دیگر، می‌توانند چشم‌اندازی برای آینده داشته باشند.

با وجود آن‌چه گفته شد، چشم‌انداز آینده افغانستان روشن خواهد بود. اگر بخواهیم خط سیر موفقیت‌های زنان افغان را در داخل و خارج از کشور دنبال کنیم، به این واقعیت دست خواهیم یافت که کوشش مردان نواندیش افغان نیز برای توسعه فرهنگی و اجتماعی افغانستان بی‌تأثیر نبوده است؛ مردانی که با حفظ فرهنگ، آداب و رسوم این کشور آزادی را برای زنان پاس داشته‌اند.

در طول چند دهه گذشته، بسیاری از مهاجران افغان به کشور همسایه، یعنی ایران مهاجرت کرده‌اند و به دلیل تبعیض‌هایی که بر آنان روا داشته می‌شده، هیچ‌گاه نتوانسته‌اند پیش‌رفت‌هایی که شایسته آن بوده‌اند را کسب کنند. در این مورد حق با افغان‌ها است؛ چراکه در چنین شرایطی اگر هیچ محدودیتی از سوی خانواده بر این زنان اعمال نشود، این جمهوری اسلامی ایران است که مانع پیش‌رفت یک زن غیرایرانی در جامعه می‌شود.

با این وجود امروزه زنان افغان، هم‌پای مردان این کشور به این نتیجه دست یافته‌اند که اقامت در اروپا بهترین گزینه پیش‌رو برای فرار از خشونت است؛ اگرچه بنا بر آن‌چه گفته شد، چالش‌های دیگری نیز وجود دارد. حال باید زنان افغان دل به آینده ب‌سپارند؛ شاید به زودی نوری بر زوایای تاریک جامعه افغانستان تابانده شد؛ نوری که از ذهن بیدار زنان این کشور نشأت می‌گیرد.

اگر س‌یاسیون نبازند، نظامیان نمی‌بازند



عصمت‌الله احمدی، ماستر علوم استراتژی امنیت ملی



تصمیم رییس جمهور بایدن مبنی بر خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ نیز کدام پیامد جدی را در پی نخواهد داشت. دولت جمهوری اسلامی افغانستان بیش از ۴۰۰ هزار نیروی امنیتی و دفاعی دارد. این نیروها مجهز با سلاح‌های پیشرفته زمینی و هوایی‌اند. نیروهای خاص و کوماندو در وزارت‌های دفاع ملی و امور داخله و قطعات واکنش سریع در ریاست عمومی امنیت ملی که از تعلیمات، تجهیزا‌ت و قابلیت‌های محاروبی بهتر برخوردار هستند، نیز شامل این نیروها می‌باشند. بعد از سال ۲۰۱۴، ۱۰۰ درصد عملیات‌های محاروبی زمینی و بیش از ۹۰ درصد عملیات‌های هوایی توسط نیروهای افغان برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. افزون بر این، ۳۴ ولایت کشور، بیش از ۳۷۰ ولسوالی و شاهراه‌های خرد و بزرگ همه در تصرف دولت جمهوری اسلامی افغانستان است. هم‌چنان نیروهای امنیتی و دفاعی افغان دارای آزادی عمل هستند؛ به این معنا که در هر بخش افغانستان می‌توانند عملیات‌های محاروبی اجرا آ‌کنند. این همه نمایان‌گر آن است که دولت جمهوری اسلامی افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱، نیز به طور معمول به حیات خود ادامه داده می‌تواند.

بعد از انتخاب رییس جمهور اوباما و پایان دوره ریاست جمهوری جورج بوش پسر، آوازه خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، به خصوص در دوره دوم ریاست جمهوری اوباما بر سر زبان‌ها افتاد. آهسته آهسته مسوولیت‌های امنیتی به نیروهای امنیتی و دفاعی افغان سپرده می‌شد. تا این‌که در اوایل سال ۲۰۱۴ تعداد قابل ملاحظه نیروهای امریکایی و کشورهای عضو ناتو از افغانستان خارج شدند و تعداد محدودی از این نیروها در چوکات حمایت قاطع در این کشور باقی ماندند.

در آن زمان اکثر صاحب‌نظران و کارشناسان سیاسی و نظامی معتقد بودند که با خروج بخش اعظم نیروهای ائتلاف، چندین ولسوالی و ولایت به دست طالبان سقوط خواهد کرد، نیروهای امنیتی و دفاعی از هم خواهند پاشید و توان دفاع از کشور را نخواهند داشت. پروژه‌های عمرانی سازمان‌های غیردولتی و کسب‌وکار مردم عام همه به تعویق افتاد. بخشی



از مردم در داخل و خارج از کشور منتظر ناکامی دولت و پیش‌روی طالبان بودند. این در حالی بود که بعد از خروج بخش اعظم نیروهای امریکایی، به جز ولایت کندز آن‌هم برای چند روز محدود، دیگر هیچ ولایتی سقوط نکرد. حتا نیروهای امنیتی و دفاعی با قربان کردن جان‌های شیرین‌شان توانستند چندین ولسوالی‌ای که در غزنی، بغلان و چند ولایت دیگر تحت تسلط طالبان بود را دوباره پس بگیرند. هم‌چنان، کسب‌وکار مردم نیز روال عادی را به خود گرفت.

تصمیم رییس جمهور بایدن مبنی بر خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ نیز کدام پیامد جدی را در پی نخواهد داشت. دولت جمهوری اسلامی افغانستان بیش از ۴۰۰ هزار نیروی امنیتی و دفاعی دارد. این نیروها مجهز با سلاح‌های پیشرفته زمینی و هوایی‌اند. نیروهای خاص و کوماندو در وزارت‌های دفاع ملی و امور داخله و قطعات واکنش سریع در ریاست عمومی امنیت ملی که از تعلیمات، تجهیزا‌ت و قابلیت‌های محاروبی بهتر برخوردار هستند، نیز شامل این نیروها می‌باشند. بعد از سال ۲۰۱۴، ۱۰۰ درصد عملیات‌های محاروبی زمینی و بیش از ۹۰ درصد عملیات‌های هوایی توسط نیروهای افغان برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. افزون بر این، ۳۴ ولایت کشور، بیش از ۳۷۰ ولسوالی و شاهراه‌های خرد و بزرگ همه در تصرف دولت جمهوری اسلامی افغانستان است. هم‌چنان نیروهای امنیتی و دفاعی افغان دارای آزادی عمل هستند؛ به این معنا که در هر بخش افغانستان می‌توانند عملیات‌های محاروبی اجرا کنند. این همه نمایان‌گر آن است که دولت جمهوری اسلامی افغانستان بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱، نیز به طور معمول به حیات خود ادامه داده می‌تواند.

در بُعد سیاسی نیز دولت جمهوری اسلامی افغانستان از مشروعیت کامل در سطح ملی و بین‌المللی برخوردار است؛ حکومت منتخب دارد و حقوق بشر، آزادی بیان و آزادی زنان از ارزش‌های اساسی آن است. هم‌چنان این کشور، معاهدات استراتژیک امنیتی با بسیاری از کشورها و سازمان‌های جهان، به شمول امریکا و ناتو امضا کرده است. امریکا هم‌چنان متعهد است تا سال ۲۰۲۴ نیروهای امنیتی و دفاعی افغان را حمایت مالی و اکمال نظامی کند. بنابراین، افغانستان از نگاه سیاسی نیز در انزوای بین‌المللی قرار ندارد؛ به این معنا که شرایط خروج امریکا با شرایط خروج شوروی از این کشور کاملاً متفاوت است.

البته که خروج نیروهای ایالات متحده از افغانستان نه جنگ را برای همیشه خاتمه خواهد داد و نه صلح را تضمین خواهد کرد. اگر مذاکرات صلح میان دولت و طالبان که تحت نظر سازمان ملل، امریکا، قطر و ترکیه در استانبول دایر می‌شود، به نتیجه نرسد، ممکن است در ماه‌های آینده، طالبان جنگ‌های

شدیدی را مانند مجاهدین که بعد از خروج شوروی در جلال‌آباد به راه انداختند، برنامه‌ریزی و اجرا کنند. البته در جنگ میان طالبان و دولت برخلاف جنگ جلال‌آباد که مجاهدین از حمایت مستقیم نظامیان پاکستانی برخوردار بودند، این بار طالبان بنابر توافق که با امریکایی‌ها امضا کرده‌اند، بدون حمایت جنگ‌جویان خارجی و بدون مداخله مستقیم نظامیان پاکستانی خواهند جنگید. ممکن است بعضی از شهرها و ولسوالی‌ها به دست طالبان به مدت کوتاه سقوط کند و ممکن است فاجعه انسانی به دنبال داشته باشد؛ اما در کل، طالبان توانایی دفاع از شهرها و ولسوالی‌ها را به نسبت کمبود امکانات و منابع به مدت طولانی ندارند.

گروه طالبان یک جریان مسلح است که جنگ نامتعارف را پیش می‌برد. این گروه توانایی و ظرفیت راه‌اندازی عملیات وسیع و گسترده جنگی بالای شهرهای بزرگ را ندارد. بیش از یک‌سال از توافق صلح دولت ترمپ با طالبان و قطع حمایت هوایی نیروهای امریکایی از نیروهای افغان می‌گذرد (حمایت زمینی سال‌ها قبل قطع شده بود)؛ اما طالبان هیچ دست‌آوردی در مقابل نیروهای امنیتی و دفاعی با وجود رهایی ۵۰۰۰ زندانی‌شان که به جبهات جنگ برگشتند، ندارند. حتا در ولایاتی که زادگاه اصلی طالبان به شمار می‌رود، مثل قندهار، هلمند، ارزگان، زابل، کندز و... این گروه دست‌آورد چشم‌گیری ندارد. گفته می‌شود که طالبان ۶۰۰۰۰ جنگ‌جو دارند. ممکن است تمامی اعضای طالبان ۶۰۰۰۰ نفر باشند؛ ولی نه نیروی جنگی آن‌ها. به خاطری که اگر طالبان در بعضی از ولایات درجه سوم و حتا درجه دوم یک هزار فرد مسلح جنگی می‌داشتند، با روحیه‌ای که آن‌ها می‌جنگند، آن ولایات سقوط می‌کرد و تحت تسلط طالبان می‌بود. این در حالی است که آنان از آغاز جنگ تاکنون بیش از ۱۰ الی ۱۵ ولسوالی را در اختیار ندارند. طالبان برای حمله بالای پاسگاه‌های نیروهای امنیتی و دفاعی در نقاط مختلف کشور، از سایر ولایات افرادشان را جمع‌آوری می‌کنند. این به معنای آن است که طالبان بیش از ۴۰۰۰۰ نیروی نظامی در اختیار ندارند. در حالی که دولت جمهوری اسلامی افغانستان بدون قطعات متعارف خود در اردو و پولیس، حدود ۴۰۰۰۰ نیروی خاص و کوماندو دارد.

تلفات بلند نیروهای امنیتی و دفاعی که در این روزها گزارش داده می‌شود، اکثراً به دلیل غفلت فرماندهان آن‌ها است تا حملات منسجم و شدید طالبان. به طور مثال، افزاز پاسگاه‌های کوچک و بدون حمایت نزدیک، افزاز پاسگاه‌ها به خاطر اهداف غیرضروری و افزاز کمین‌های غیرمسلکی باعث شده است که تلفات نیروهای امنیتی بلند باشد. هم‌چنان، عدم حمایت به موقع پاسگاه‌ها، عدم اجرای دقیق گزمه و کمین مطابق به تعلیم‌نامه‌ها، از دلایل دیگر تلفات نیروهای ارتش است. برعلاوه، عدم حمایت به موقع

استخباراتی جزوتام‌ها در اثر ضعف در نهادهای کشفی و استخباراتی، نفوذ افراد بیگانه به شکل مهمان داخل گارنیزیون‌ها و یا در بعضی موارد کارهای غیراخلاقی که توسط پرسونل این نیروها انجام می‌یابد، باعث تلفات‌شان می‌شود. دولت جمهوری اسلامی افغانستان با تدوین یک استراتژی دفاع مستقلانه و با گرفتن درس از خروج شوروی از افغانستان و با رفع مشکلات فوق می‌تواند از کشور به وجه حسن با تلفات کم‌تر دفاع کند.

مخرب‌ترین جنگ، جنگ روانی است. بعضی از کارشناسان نظامی و سیاسی داخلی و خارجی با توجه به تهدیدات احتمالی‌ای که در استراتژی‌ها وجود دارد - از جمله در استراتژی خروج نیروهای امریکایی از افغانستان - و یا اغراض شخصی‌ای که بر علیه مردم افغانستان دارند، می‌گویند که ممکن است بعضی شهرهای بزرگ سقوط کنند، حقوق بشر، آزادی بیان، حقوق زنان و سایر دست‌آوردهای بیست ساله نابود شود، فاجعه انسانی رخ دهد و میلیون‌ها انسان مهاجر شوند. اما واقعیت این است که اگر طالبان توان مقابله با نیروهای امنیتی افغان را می‌داشتند، از زندان‌های خود و یا از افراد کلیدی خود که همه‌روژه در اثر عملیات‌های نیروهای خاص تصرف می‌شود و اسیر می‌گردند، محافظت و یک ولسوالی و یک شهر را تصرف می‌کردند، یا حداقل جلو سفرهای مقامات عالی‌رتبه دولتی را به ولایات می‌گرفتند و یا سفرهای مقامات عالی‌رتبه خود را به ولایات کشور اعلام می‌کردند.

افغانستان امروز، افغانستان سال‌های هفتاد خورشیدی نیست. به گفته جواد ظریف، وزیر خارجه ایران، «اگر طالبان تغییر نکرده باشند، افغانستان تغییر کرده است.» در زمانی که طالبان در کابل به پیروزی رسیدند، این شهر به یک ویرانه تبدیل شده بود و نفوس آن نظر به امروز، بسیار محدود بود. در شهر کابل و ولایات بیش از ده‌ها حکومت وجود داشتند. نیروی منظم امنیتی و رهبری واحد وجود نداشت. مردم در سراسر کشور از وجود «پانک‌ها»، ظلم افراد مسلح و جنگ‌های داخلی رنج می‌بردند. از طرف دیگر، طالبان از حمایت مستقیم نیروی نظامی پاکستان، القاعده، جنگ‌جویان عرب، چچینی‌ها و بنیادگرایان سایر کشورها برخوردار بودند. حمایت مالی کشورهای امریکا، انگلیس، عربستان و کشورهای عرب خلیج فارس را داشتند.

اکنون در کابل و سایر شهرهای بزرگ میلیون‌ها شهروند زنده‌گی می‌کنند. اکثریت ساکنان این شهرها و ولسوالی‌ها به برق، اینترنت، کمپیوتر، موبایل‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی دسترسی دارند که می‌توانند در برابر طالبان مقاومت کنند. مهم‌تر از همه این‌که افغانستان امروز دارای یک نیروی منظم امنیتی تحت رهبری واحد است. این نیروها از پشتی‌بانی ملی و بین‌المللی، به خصوص از حمایت امریکا و ناتو برخوردار هستند. برعکس، طالبان دیگر آن حمایت عده‌ای از مردم کشور را که در ابتدا داشتند، ندارند. حتا کشور حامی نزدیک طالبان (پاکستان) به دنبال «یجاد موازنه قدرت بین دولت و طالبان در آینده سیاسی افغانستان است.» رهبران طالبان باید بدانند که زمان تغییر کرده است. شرایطی که آن‌ها به قدرت رسیده بودند، اکنون وجود ندارد. حمایت مردمی‌ای که در آن زمان داشتند، اکنون ندارند. افغانستان هم از نگاه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مهم‌تر از همه از نگاه فرهنگی تغییر کرده است. در بیست سال اخیر، میلیون‌ها پسر و دختر از مکاتب فارغ شده، هزاران مرد و زن تا سطح ماستری و دکترا درس خوانده و ده‌ها هزار پسر و دختر به سویه لیسانس تربیه شده‌اند. اگر طالبان می‌خواهند از راه سیاسی در ترقی کشور و از بین بردن فساد نقش داشته باشند، از فرصت به دست آمده در دوحه و استانبول استفاده اعظمی کنند. در غیر آن صورت، تاریخ، شکست نظامیان افغانستان را در وجود یک دولت مشروع و واحد در خود ندیده است.

دبیر پخش ویدیو:
خبرنگاران:

محمدنصیر کاوشگر
عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، شکبیا سعیدی،
الیاس طاهری، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری،
شایق قاسمی، بهروز خاوری
وپراستاران:
صفحه آرایی:
پذیرش اعلان:
نشانی پستی:
نشانی دفتر کابل:
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است.
سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

سنجر سهیل
مجیب مهرداد
خلیل اسیر
حسب پهبش
علی‌شاه حقمل
آسیه حمزه‌ای
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

صاحب امتیاز:
مدیرمسوول:
سر‌دبیر:
دبیر گزارش‌ها:
دبیر بخش خبر:
دبیر بخش صلح:
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher:
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief:
Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

منع برگشت شهروندان استرالیایی از هند؛ ۶۰ هزار دالر جریمه و پنج سال حبس



وزارت بهداشت استرالیا روز شنبه، یکم می، اعلام کرد که با توجه به بحران کرونا در هند حتا شهروندان این کشور نیز حق بازگشت از هند به داخل کشور را ندارند. این تصمیم دولت استرالیا انتقاد شدید سازمان دیده‌بان حقوق بشر را به دنبال داشته است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، گرگ هانت، وزیر بهداشت استرالیا، در بیانیه‌ای که روز شنبه، یکم می نشر شد، گفت که این تصمیم سخت با توجه به اهمیت حیاتی سیستم سلامت عمومی استرالیا و حفظ قرنطین که موجب کاهش قابل قبول موارد ابتلا به کرونا در این کشور شده، گرفته شده است.

براساس این بیانیه از روز دوشنبه، هر مسافری که وارد استرالیا شود، حتا شهروندان استرالیا، در حالی که ۱۴ روز گذشته را در هند بوده، با جریمه ۶۰ هزار دالری و حبس پنج‌ساله روبه‌رو خواهد شد. این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که استرالیا اخیراً ورود مسافران از هند را ممنوع اعلام کرد و به همین دلیل عده‌ای از مسافران از پروازهای غیرمستقیم برای ورود به استرالیا استفاده کردند.

ایلین پیرسون از دیده‌بان حقوق بشر استرالیا در واکنش به بیانیه این کشور ضمن «خشن» خواندن آن گفته است: «دولت به جای حکم زندان و مجازات، باید به دنبال راه‌هایی برای قرنطین استرالیایی‌هایی باشد که از هند بازمی‌گردند».

طی ماه گذشته پس از شناسایی گونه جهش‌یافته جدید ویروس کرونا که در کشور هند ظهور کرده، براساس آخرین گزارش‌ها آمار ابتلای روزانه به این بیماری در هند به طور میانگین به ۳۵۰ هزار نفر و مرگ ۳۵۰۰ نفر رسیده است که آمار بی‌سابقه‌ای در جهان به شمار می‌رود. بنا بر گفته متخصصان، ویروس جهش‌یافته در هند از میزان سرایت‌پذیری و کشنده‌گی بیش‌تری در مقایسه با گونه‌های قبلی برخوردار است.

۱۸ بیمار مبتلا به کرونا در پی آتش‌سوزی در غرب هند جان باختند

همه‌گیر «کووید-۱۹» در هند نیز روز شنبه ۳۵۲۳ نفر اعلام شده است.

به این ترتیب تاکنون بیش از ۲۱۱ هزار نفر در این کشور یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفری جان خود را بر اثر ابتلا به «کووید-۱۹» از دست داده‌اند.

دولت هند موج اخیر شیوع ویروس کرونا را «بحران قرن» در این کشور خوانده است.

کابینه نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، در جلسه روز جمعه خود راهکارهای افزایش ظرفیت پذیرش شفاخانه‌ها و مقابله با کمبود کپسول‌های اکسیجن و دیگر تجهیزات درمانی را بررسی کرد.

دولت هند هم‌چنین اعلام کرده که همه افراد بالای ۱۸ سال در این کشور از این پس واجد شرایط واکسیناسیون در برابر بیماری «کووید-۱۹» هستند.

این در حالی است که مسوولان برخی ایالت‌ها از کمبود دوزهای واکسین کرونا سخن می‌گویند. از ماه جنوری تاکنون به ۱۰ درصد از جمعیت هند یک دوز از واکسن کرونا تزریق شده است؛ اما تنها ۱.۵ درصد هر دو دوز را دریافت کرده‌اند.

آتش‌سوزی در شفاخانه‌ای در غرب هند روز شنبه، یکم می، منجر به مرگ ۱۸ بیمار مبتلا به ویروس کرونا شد.

بنا بر اعلام پولیس شهر بهاروچ در ایالت گجرات، این آتش‌سوزی در طبقه هم‌کف شفاخانه روی داد و ظرف یک ساعت مهار شد. براساس گزارش یورونیوز فارسی، آتش‌نشنان و کارکنان شفاخانه موفق شدند ۳۱ بیمار بستری را از حریق نجات دهند. وضعیت این بیماران پس از حریق «بائبات» گزارش شده است.

تحقیق درباره علت وقوع این آتش‌سوزی که ساعت یک بامداد به وقت محلی روی داد، آغاز شده است.

پیش از این نیز آتش‌سوزی در بخش بیماران مبتلا به بیماری همه‌گیر «کووید-۱۹» در شفاخانه‌ای در حومه بمبئی در روز بیست‌وسوم اپریل، جان ۱۳ نفر را گرفته بود.

حریق در شفاخانه شهر بهاروچ در حالی روی داد که هند روز شنبه با شناسایی بیش از ۴۰۰ هزار مورد جدید ابتلا به ویروس کرونا رکورد جدیدی را در میان کشورهای جهان ثبت کرد. شمار روزانه جان‌باخته‌گان بر اثر ابتلا به بیماری



زندانیان سیاسی زن در ایران هدف آزار و شکنجه‌های روانی قرار گرفته‌اند

اعلام قبلی از زندان اوین در تهران به زندان‌هایی در خارج از پایتخت ایران منتقل شدند. در این گزارش هم‌چنان آمده است که زندانیان سیاسی زن برخلاف قوانین ایران و موازین بین‌المللی، به بندهای محکومان جرایم عادی مانند قاتلان منتقل شدند.

در این گزارش به وضعیت نسرین ستوده، وکیل دادگستری و مدافع حقوق زنان اشاره شده که از زندان اوین به زندان شهر ری منتقل شده است. هم‌چنان به انتقال صبا کرد افشاری در ماه دسامبر سال گذشته از اوین به زندان شهر ری اشاره کرده است.

در ادامه این گزارش نیز به وضعیت زینب جلالیان، زندانی سیاسی کرد، هم اشاره شده است که سال گذشته به چهار زندان مختلف از جمله یزد، اوین و کرمان‌شاه منتقل شد. گفتنی است که براساس این گزارش، دادگاه عالی پیش از این دو پرونده مربوط به محدودیت‌های اعمال شده طی همه‌گیری کرونا را رد کرده بود.

زن سیاسی در ایران هدف آزار جنسی و حتا تجاوز به عنف قرار گرفته و در مواردی از دسترسی آن‌ها به دارو و درمان جلوگیری شده است.

گاردین اضافه کرده است که در شش ماه گذشته، تعداد بیش‌تری از زندانیان زن که به اتهامات سیاسی و حقوق بشری زندانی هستند، بدون

روزنامه گاردین به نقل از فعالان حقوق بشر خبر داده است که زندانیان سیاسی زن در ایران با آزار و اذیت، محکومیت‌های طولی‌المدت و انتقال به زندان‌هایی با شرایط «خطرناک و نگران‌کننده» صدها کیلومتر دورتر از خانواده‌های‌شان روبه‌رو هستند.

در این گزارش آمده است که شماری از زندانیان

